

ما و انتخابات ریاست جمهوری

شرکت با عدم شرکت ما در انتخابات ریاست جمهوری، با توجه به وضعیت مبارزه طبقاتی، صف بندی نیروها و وظایف کمونیست ها در شرایط کنونی تعیین خواهد شد.

همان گونه که مردم آگاه و مبارز ایران می دانند قانون اساسی ارتجاعی جمهوری اسلامی از پیگیرترین نیروهای انقلابی یعنی نیروهایی که در سیاه ترین سال های دیکتاتوری شاه، برچم دار مبارزه ای خونین علیه امپریالیسم امریکا و رژیم شاه بودند، حق انتخاب شدن در انتخابات ریاست جمهوری را سلب کرده است. مطابق این قانون تیمسارهای امریکایی هم امپریالیسم امریکا بودند و از شاه تاج و نشان دریافت می کردند. می توانند کاندیدای ریاست جمهوری باشند و هیچ محدودیتی برای آنها وجود ندارد. امپریالیسم امریکا در صفحه ۴

در راهبیمالی شبه ای دی ماه که علیه توطئه سرمایه داران لیبرال و در حمایت از ادامه افشارگری ها برگزار شد مردم فریاد می زدند:

"افشای امریکائی باید ادامه یابد"

"خروش هرکارگر فریاد هرپرورگر، مرگ بر سازشکار"

"خود مختاری خواسته خلق ایران، خودگردانی فریب سازشکاران"

در صفحه ۲



صف بندی طبقات ابعاد مشخص تری می یابد

به دنبال افشای حاسوسی امر نظام و افشارگری هایی که در ناره باررگان و شرکاء صورت گرفتند. مبارزه ضد امپریالیسم امریکائی را امرایش دادند و توده ها در مسیر کسب تحارب سیاسی تازه ای قرار گرفتند. مبارزه ضد امپریالیسم امریکائی را عمق بیشتری یافت و ابعاد طبقاتی آن ابعاد مشخص تری پیدا کرد. شورای انقلاب برای این که مبارزه در صفحه ۵

تیمسار ارتش شاهنشاهی در یادار مدنی

در این شماره:

کاندیدای ریاست جمهوری است

در صفحه ۲

دهقانان زحمتکش جلکون:

"زمیندار نابود است دهقان پیروز است"

در صفحه ۴

رابطه آموزش و پرا تیک

در صفحه ۸

بمناسبت صدمین سالگرد تولد رفیق حیدر عمو اوغلی (قسمت دوم)

«هرچه حیدرخان بگوید راست است» (ستارخان) در صفحه ۷

یکصدمین سال تولد استالین، رهبر کبیر حزب کمونیست شوروی را به پروتاریای جهان، تبریک می گوئیم

"استالین" برای انقلابیون کمونیست جهان، نامی درخشان رهبری بزرگ و کمونیستی عمیقاً وفادار به طبقه کارگر و آرمیان سوسیالیسم است. ما در شماره آینده به مناسبت بزرگداشت صدمین سالگرد تولد "ژوزف استالین" که با ساختمان نخستین کشور سوسیالیستی جهان پیوندی جدائی ناپذیر دارد، یاد خواهیم کرد.



سرمقاله ما، شورای انقلاب و تحولات اخیر افغانستان

پس از سرنگونی رژیم "داودخان" در افغانستان، خوانین، سران عشایر و فئودال ها که مورد پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم، آشکار و پنهان امپریالیسم امریکا و دولت های ارتجاعی منطقه بودند، با بهره برداری از عقب ماندگی توده ها در برخی ایالات افغانستان علیه دولت "تره کی" وارد عمل شدند.

عدم اتکای احزاب چپ به توده های وسیع دهقانان زحمتکش و عدم بسیج آنان علیه فئودال ها و امبدان احزاب به کسب و تحکیم قدرت از طریق کودتا از یک سو و دخالت ها و دسیسه های امپریالیسم امریکا و خوانین و سران مروج عشایر از سوی دیگر، باعث شده است که بخشی از دهقانان نا آگاه تحت تاثیر تبلیغات ارتجاعی قرار گرفته و در جبهه فئودال ها قرار گیرند و علیه منافع تاریخی خود اقدام کنند.

نادیده گرفتن آموزش های انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و تجارب خلق های پیروزند جهان و در راس آن نمونه و پتانسیل قهرمان، در سیاست ها و متنی "حزب خلق" و "حزب پرچم" موجب شده است که طی دوده فعالیت آن ها و در شرایطی نسبتاً مساعد و حتی چند سال پس از سرنگونی "داودخان" هنوز آگاهی خلق در حدی باشد که بسیاری از دهقانان زحمتکش و محروم افغانستان به خوانین مرتجع و سران عشایر اعتماد کرده و از شکل لازم برخوردار نباشند. در نتیجه نیروهای ترقی خواه افغانستان در سرکوب فئودال ها و عوام مسل امپریالیسم امریکا که بخشی از دهقانان را به دنبال خود کشیده اند، ناتوان شدند و نتوانستند به نیروی مسلح توده دهقانان متکسی گردند.

شاهد بودیم که فئودال ها و عوام مستقیم امپریالیسم امریکا و حکومت پاکستان، هندوستان و متحدان ایرانی فئودال های افغان با تحریک احساسات مذهبی دهقانان و بهره برداری از نا آگاهی آنان بخشی از توده زحمتکش را به سوی خود کشیده اند. حمایت مستقیم اتحاد شوروی از دولت جدید افغانستان و اقمیتی متناقض را در خود دارد. این واقعیت از یک سو بیانگر آن است که اتحاد شوروی در برابر دسیسه فئودال ها و نیروهای ارتجاعی منطقه به دفاع از حکومتی برخاسته است که در جهت منافع توده مردمی عمل می کند که به منافع تاریخی خود آگاه نیستند و از سوی دیگر بیانگر شکست "حزب پرچم" در جلب اعتماد توده ها، شناساندن خود به آنها، تربیت و شکل و تسلیم آنها و اتکا به نیروی آنهاست. این واقعیت نشان می دهد که "حزب پرچم" در طول حیات سیاسی خود پیش از آنکه به نفوذ در توده های هفان افسان اندیشیده باشد، به نفوذ در ماشین حکومتی و تسخیر قدرت از طریق کودتا می اندیشیده است.

بقیه در صفحه ۴

مردم مبارز تهران!

برای گسترش مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقمان در اجتماع شبه ۱۵ دی ماه ساعت سه بعد از ظهر که بدعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در دانشگاه تهران برگزار میشود، شرکت کنید.

فانده داد سمانه داران، لسان

شورای کشاورزان سد وشمگیر را چه کسانی تشکیل می دهند

● در این شورا زمین داران بزرگ به منظور توطئه علیه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا بسیج شده اند.

زمین داران ترکمن صحرا مانند گذشته دست به دسیسه چینی، جنگ افروزی و کشتار روستاییان می زنند، اختیار تحریکات این عناصر منقرض شدت گرفته است، آنها با ایجاد هرج و مرج و آشوب و بسا بر خورداری از حمایت کمیته های اسلامی منطقه در جهت سرکوب مبارزات دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا دست به توطئه می زنند. و در صدند حقوق و شمرات مبارزات خلق ترکمن را با پیمان سازند.

زمین داران می گویند دوباره زمین های دهقانان را غصب کند، آنها در عین حال به تناسب اوضاع و احوال خود را متشکل ساخته اند و زیر نام "شورای کشاورزان وشمگیر" تمامی زمین داران بزرگ منطقه گرد هم آمده و فعالیت های خود را علیه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا سازمان می دهند. برای بر ملا ساختن ماهیت "شورای زمین داران ترکمن صحرا مشخصات تعدادی از اعضای آن را با سند تاسیس شورای زمین داران

چاپ می رسانیم و خوانندگان خود را توجه می دهیم که به مقاله تبلیغات توطئه گرانه نوده ای ها علیه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا، که در شماره ۳۹ کار درج شده است، مراجعه نکنند تا یکبار دیگر ماهیت حزب به اصطلاح طراز نوین طبقه کارگر ایران را دریابند. در جدول زیر، علاوه بر جعفر بابی و محمدی که از "توده های هلی" فعال منطقه هستند، "کمیته مرکزی حزب" بی شک اسامی آشنای دیگری نیز در این لیست مشاهده خواهد کرد! البته ما در این لیست تنها زمین دارانی را که "روزنامه مردم" به دفاع از آن برخاسته و با عوام فریبی و تبلیغات ضد انقلابی می گویند مانع از پیرو آوردن زمین ها، زمین های کوه غصب کرده اند، از چنگشان شود، آورده ایم و فعلا از دیگر دوستان سرمایه دار حزب در منطقه حرفی نمی زنیم، ما به "توده های هالی" که حرف مارا باور ندارند، توصیه می کنیم سری به گنبد زده و مقالات "مردم" را با ملایک واقفیات موجود در ترکمن صحرا ارزیابی نمایند.

جعفر بابی	۲۰۰۰ هکتار	سازگار	۱۵۰۰ هکتار
عبدی محمدی	۴۰۰	جبار خوندزاد	۳۵۰۰
خندان	۲۵۰۰	آخوندزاده	۲۰۰۰
بیخی شروه	۴۰۰	نظرنزاد	۱۵۰۰
بختارده محمد	۲۰۰	سیار سپهر	۱۰۰۰
درسد وشمگیر	۲۰۰	حاجی قاسمی	۱۵۰۰
ولی الله پارسا	۳۰۰۰	مهندس دارابی	۵۰۰
یوسف قره چه	۵۰۰	محمدی	۲۵۰۰ هکتار
رضائی	۷۰۰	شیرمحمدی	۱۷۰۰
نعم الدین	۱۵۰۰	محمد شیر	۶۰۰
سرهنگ قادری	۴۰۰	حبیب ایشان	۶۰۰
مجید مفیدی	۵۰۰		

در راهپیمائی شنبه ۸ دی ماه که علیه توطئه سرمایه داران لیبرال و در حمایت از ادامه افشاکاری ها برگزار شد، مردم فریادی زدند:

افشای آمریکائی باید ادامه یابد

شده و عملا این حرکت ضد امپریالیستی را تا اشد می کردند. این راهپیمائی نیز مانند دیگر راهپیمائی ها و تظاهرات سازمان و نیروهای مترقی مورد تهاجم عناصر اوباش و مترجمین قشری قرار گرفت ولی آنها این بار با خشونت بیشتری به مردم حمله می کردند و این عمل آنان دقیقا نشان داد که این گروه ها چه روابطی با محافل و جریان های لیبرال و ارتجاعی دارند و چگونه از آنها دستور می گیرند. ولی با تمام فشاری که این گروه ها وارد می کردند، تظاهرکنندگان در صفوفی بهم فشرده و روحیه ای انقلابی، با متانت و شکستناکی به راهپیمائی ادامه می دادند و با "مردم بر آمریکا" ماهیت این گروه ها را افشا کردند. راهپیمایان در این تظاهرات با عزمی راسخ، نمایشی از یک مبارزه سخت طبقاتی را نشان دادند و با توفندگی خویش همچون رودی حروشان تمامی موانعی را که عوامل سرمایه داری و عناصر نا آگاه در مسیرشان به وجود آورده بودند، به کناری زده و به حرکت خود ادامه دادند و ساعت ۷ به خیابان طالقانی نزدیک مرکز جاسوسی آمریکا رسیدند. سپس قطعا همه راهپیمائی خواننده شد و سپس از آن راهپیمایان در گروه های چند صد نفره با شعارهای ضد امریکائی بازگشتند.

است"، "خروش هر کارگر، فریباد هر برزگر، مرگ سازشکار"، "شعار هرفدائی، استقلال، کار، مسکن، آزادی"، "امپریالیسم خونخوار، لیبرال سازشکار، نابود باید گردد"، "ایران را گورستان آمریکا می کنیم"، "در صورت تهاجم، ایران را سراسر ویتنام می کنیم"، "کارگر، زحمتکش، فریاد خود را برکش، علیه شروع سازش"، "..... کینه و نفرت خود را نسبت به امپریالیسم آمریکا، سرمایه داران لیبرال و نیروهای سازشکار نشان می دادند و با شعارهای پرطنین خویش در زمینه خواسته های کارگران و سایر زحمتکشان، مسیر راهپیمائی را به لیزه در آوردند. آنها نشان دادند که این تنها کارگران و زحمتکشان هستند که می توانند مبارزه ضد امپریالیستی دمکراتیک را تا به آخر ادامه دهند. در پیشانی راهپیمایان پلاکاردی حمل می شد که بر روی آن نوشته شده بود: "افشای امریکائی باید ادامه یابد" نوشته های دیگر پلاکاردها چنین بودند: "توطئه دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا را درهم شکنیم" "مقاومت سرمایه داران لیبرال را علیه ادامه افشاکاری ها درهم شکنیم" "..... مردم با دیدن صف تظاهرکنندگان به آنها می پیوستند و با در پیاده روها با آنها هم صدا

به دنبال دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، به منظور گسترش مبارزه ضد امپریالیستی نوده ها و نیز پشتیبانی از ادامه افشاکاری های "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام"، دهها هزار نفر از هواداران و اعضای سازمان و دیگر نیروهای انقلابی و مبارز، در تظاهرات و راهپیمائی روز شنبه ۸ دی ماه شرکت کردند. حرکت تظاهرکنندگان در ساعت ۳/۵ از دانشگاه تهران آغاز شد. راهپیمایان با صفوف منظم و به هم فشرده مسیر خیابان انقلاب را طی کرده و هر چه جلوتر می رفت بر تعداد و تراکم آن افزوده می شد. در این تظاهرات بزرگ ضد امپریالیستی، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با آغوشی سرمایه داران لیبرال و نیروهای سازشکار و نیز با حمایت خویش از ادامه افشاکاری های "دانشجویان پیرو خط امام"، عملا گام بزرگی در جهت تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلفهای میهنان برداشت و نشان داد که هنگام و پیشانی نوده های میهنان در این مبارزه حرکت می کند. راهپیمایان در مسیر حرکت خویش با شعارهای: "مردم بر آمریکا"، "افشای امریکائی باید ادامه یابد"، "مردم خاسته خلق ایران خودگردانی فریب سازشکاران"، "انقلاب پیروز است، سازشکاران باید

تیمسار ارتش شاهنشاهی، دریادار مدنی کاندیدای ریاست جمهوری است

به فعالیت های انتخاباتی تیمسار را در سرتاسر ایران هماهنگ سازد. فعالیت های تیمسار مدنی برای احراز ریاست جمهوری تنها اجرای قسمتی از نقشه "حرج پال" کارشناس وزارت خارجه امریکادار اموریان است. "حرج پال"، چند ماه پیش اعلام کرده بود که هدف امریکا این است که جنبه ملی و محافل مدعی معتدل در رأس قدرت قرار گیرد و با اکثر شرایط اجازه داد یکی از فرماندهان ارتش زمام امور را در دست گیرد، زیرا برای دفاع از منافع امریکائی امر ضرورت حساسی دارد. تیمسار، در عین حال سودای حکومت نظامیان را در سر می پروراند و تبلیغات وسیعی که از ماه های پیش در سرتاسر ایران برای ریاست جمهوری تیمسار مدنی می شود و حمایت گسترده برخی روزنامه ها از ایشان، نشان می دهد که چگونه محافل واسه به امپریالیسم درون ارتش و دیگر محافل ارتجاعی خود را سازمان داده اند و برای سحر قدرت آماده می شوند.

خوزستان را از مهم ترین افتخارات زندگی خود می داند. تیمسار مدنی، نام مغفوری در نزد کارگران و زحمتکشان خوزستان است. او از امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران دفاع می کند، برای نمونه زمانی که شورای اسلامی کارگران سدکو، سد ایران، به معصده انقلابی سرمایه های امریکائی پرداخت، تیمسار مدنی شورای اسلامی کارگران را محصل کرد و کارگران مبارز را بازداشت نمود. تیمسار مدنی در حوالت کارگران همیشه این حمله معروف شاه را تکرار می کند. "ما از موضع قدرت سخن می گوئیم و هر عمل خلافی را سرکوب خواهیم کرد". (روزنامه های یکشنبه ۸ مهر) حیات تیمسار با کمک محافل و دوستان داخل و خارج از مدت ها پیش فعالیت های انتخاباتی را سازمان داد و نسکه سلطنتی که بخشی از نسکه جاسوسی امپریالیسم امریکائی و طبقه سرمایه دار واسه به آنهاست، اس و طبقه را بر عهده گرفت که سلطنت مربوط

تیمسار مدنی، پیش از قبام شکوه مند سپه ماه برای سه شکست کشتن جنبش ضد امپریالیستی- دمکراتیک خلق های قهرمان ایران با امپریالیسم امریکائی همکاری نزدیک داشت. تیمسار ارتش شاهنشاهی، مرتبا در خانه "درخشش" - که با مرکز جاسوسی امریکاداران ارتباط مستقیم و دائم داشت- با دوستان خود به چاره خوئی می نشست و علیه مبارزات خلق مادسیه می جید. تیمسار مدنی سیرمیل بسیاری اردوستان امپریالیسم آمریکا، یکی از مبره های فعال کابینه بارزگان بود. او نخست وزارت دفاع و سپس فرماندهی نیروی دریائی و استانداری خوزستان را به عهده گرفت. کارنامه تیمسار ارتش شاهنشاهی پس از قبام شکوه مند خلق های ایران با لامال ارحمانت به آرمان خلق های به محاسنه ایران است. اسناد در خوزستان در دست می با کارگران و زحمتکشان خوزستان، اسناداران آریا صبری را روغنند کرده است. او سرکوب خلق عسرت

سازمان زراعتی سازگار

آدم سرطانه سرسبز

کلیه امور با عاهد کارگان به طایر آنها در حدود یکصد و پنجاه هکتار از ۳۰۰ هکتار باقی مانده است

سازمان زراعتی سازگار

تلفن: ۳۳۳

آدرس: تهران، خیابان...

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود

قطعنامه راهپیمائی ضد امپریالیستی ۸ دی ماه به منظور درهم شکستن توطئه سرمایه داران لیبرال و حمایت از ادامه افشاگری های "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام"

مردم مبارز ایران!

اکنون که میلیون ها کارگر و زحمتکش میهن ما در هزاران واحد تولیدی مبارزه خود را علیه غارتگری و استثمار سرمایه داران شدت بخشیده اند و با تشکیل شوراها و سندیکاها و با اتحاد و مبارزه خود در تلاشند دست سرمایه داران وابسته را از بسیاری کارخانه ها کوتاه سازند، اکنون که مبارزه طبقه کارگر علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن هر روز دامنه وسیع تری به خود می گیرد، اکنون که میلیون ها کفایت محروم و ستمدیده در هزاران روستای ایران، مصمانه برای بازپس گرفتن زمین، از ملاکین و زمین داران بزرگ، به پا خاسته و طبقه سرمایه دار و زمین داران بزرگ را به وحشت افکنده اند، اکنون که سربازان و درجه داران و افسران جز و همافران مبارزه خود را علیه فرماندهان آرمی مری ارتش گسترش می دهند و با تشکیل شوراهای واقعی خود، توطئه های امپریالیستی آنان را علیه توده نظامیان و پرسنل انقلابی و علیه مردم قهرمان ایران درهم می شکنند، اکنون که مبارزه کسبه و پیشه وران، معلمین و کارمندان، دانشجویان و طلاب و محصلین علیه طبقه سرمایه داری ایران، این پایگاه امپریالیسم آمریکا هر روز عمق بیشتری به خود می گیرد،

اکنون که افشاگری های ۹ ماهه نیروهای انقلابی و پیشرو و انتشار اسناد مرکز جاسوسی آمریکا توسط "دانشجویان پیرو خط امام"، مشت دوستان ربائی و دروغین مردم و میوه چنان انقلاب را باز کرده و پشت آنان راه لزرزه در آورده است،

احزاب و محافل وابسته به سرمایه داران لیبرال به تکیه افتاده اند تا از طریق فریب خلق و تحت حمایت اکثریت حاکم در شورای انقلاب و دیگر دوستان "صاحب مقام" خود، چند صباحی دیگر به غارتگری و جهاولگری ادامه دهند.

این احزاب و محافل که عمدتاً بانام "بازرگان" یا "حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان" جبهه ملی، "نهضت رادیکال" و "شرفک" شناخته می شوند، به مثابه سخنگویان طبقه سرمایه دار ایران با مبارزه توده ها برای قطع سلطه امپریالیسم آمریکا به اعتراض و مخالفت برخاسته و تا آنجا که توانستند علیه جنبش ها و نیروهای انقلابی در ایران و در منطقه به توطئه چینی دست زدند.

این احزاب و محافل در ۹ ماه گذشته همواره سازاواکی با اجناسوسان، از وابستگان به رژیم سابق دفاع کرده و با اهدام جنایتکاران، با تشکیل شوراها و با اقداماتی که به سود جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های قهرمان ایران بوده است، مخالفت و مقابله کرده اند. اینان از احساسات و اعتقادات پاک مذهبی مردم مایه بر برداری کرده و با هزاران حيله و فریب در صددند سیاست های ضد مردمی خود را به پیش برند.

سازمان ما اعلام می دارد که امپریالیسم آمریکا و سرمایه داران لیبرال دست در دست هم جنگ همه جانبه خود را علیه مردم متمدن بخشیده اند. در این نبرد سهمگین دوستان امپریالیسم آمریکا یکی پس از دیگری ناچار می شوند برای حفظ منافع خود در برابر آزاده و خواست توده ها قرار گیرند و پورده های تزویر را از چهره خویش بردارند.

جاسوسی امیرانتظام آشکار می شود، بازرگان، بسزدی، قطب زاده، بهشتی، رفسنجانی و امثال آنها به دفاع از او بر می خیزند و صف آرائی امپریالیسم و طبقه سرمایه دار و همه حامیان آنان از یک سو و طبقه کارگر، دهقانان، کسبه و پیشه وران، کارمندان و دانشجویان، طلاب و روحانیست صدامپریالیست و دیگر نیروهای خلق از سوی دیگر مشخص تر از همیشه شکل می گیرد. صفوف دوستان واقعی خلق و

۴- هر تکرار و هر نیروی که خطر سرمایه داران لیبرال را دست کم بگیرد و یا بخواهد از لیبرال ها برای تخفیف گرایش های ارتجاعی حاکمیت بهره برداری کند و یا در این نبرد به نظاره بایستد، مشخصاً در راه تقویت سلطه سرمایه داری، وابسته، کام برداشته است. در عین حال اعلام

صفوف دشمنان خلق های میهن ما، پیوسته آشکارتر و مشخص تر می شود. ما افشاگری های نیروهای انقلابی و صدامپریالیست را جزئی از مبارزات عادلانه خلقمان می دانیم و اعلام می داریم:



می داریم آن سیاستی که می کوشد برگرایش های ارتجاعی حاکمیت پرده سازاواکند، نیز آّب به آسباب سرمایه داران لیبرال می ریزد و به نوبه خود به سرمایه داری وابسته باری می رساند. "شورای انقلاب" را در قبال این افشاگری ها و گماشتن "قطب زاده" را برای کنترل افشاگری های دانشجویان مستقر در مرکز جاسوسی آمریکا، نشان آن می دانیم که "شورای انقلاب" تلاش دارد به هر قیمتی شده از ادامه افشاگری ها جلوگیری کند.

۲- ما هرگز سکوت و ممانعت را در برابر توطئه و تهاجمات اخیر سرمایه داران لیبرال و هرگونه سازش با آنها و با عدم پشتیبانی از ادامه افشای دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا را از جانب هر گروه و هر مقامی که باشد خدمت به امپریالیسم آمریکا می دانیم. ما اعلام می داریم که فقط کسانی در راه اهداف خلق ما گام بر می دارند که علیه توطئه ها و تهاجمات سرمایه داری لیبرال، این پایگاه امپریالیسم آمریکا به مقابله برخیزند و مشخصاً امروز از ادامه افشاگری ها حمایت کنند.

۳- ما حوادث پس از تسخیر مرکز جاسوسی آمریکا را از اقدامات "حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان" گرفته تا تهاجم اخیر "بازرگان" و "شرفک" علیه افشاگری ها، تماس های "بختیار" با فئودال ها و خوانین مرتجع ایران در عمان، توطئه های محافل لیبرالی درون ارتش، تسلیم فئودال ها و عناصر مرتجع و اوباش به منظور سرکوب دهقانان زحمتکش میهن ما که مشخصاً در مناطقی مثل ترکمن صحرا، کردستان فارس و سیستان و بلوچستان صورت می گیرد و نیز کوشش هایی که برای ادامه سیاست سرکوب خلق ها به کار می رود و عملاً در راه استقرار صلح عادلانه در کردستان مانع ایجاد می کند، همه را سلسله تهاجمات و تلاش های به هم پیوسته، حساب شده و گسترده ای می دانیم که امپریالیسم آمریکا به هدستی سرمایه داران لیبرال و سایر عوامل خود برای به شکست کشاندن مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ما سازمان داده است.

ناپودیداد جبهه سرمایه داران لیبرال گسترده باد همکاری و همگامی همه آنان که در راه ساختن ایرانی آزاد و دمکراتیک گام بر می دارند
مرگ بر امپریالیسم جهانی
به سرکردگی امپریالیسم آمریکا
پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۸ دی ماه ۵۸

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و وابستگانش

دهقانان زحمتکش جلگون:

(شوشتر)

زمیندار نابود است، دهقان پیروز است

جلگون (حنت مکان) یکی از روستاهای اطراف شوشتر است که با جمعیتی قریب ۵۰۰ نفر در منطقه دیمچه قرار دارد. دوسوم اراضی و بهویژه اراضی مرغوب این منطقه در اختیار زمینداران بزرگ قرار دارد.

شرکت کشت و صنعت گارون به همراهی زمینداران بزرگ منطقه بخش وسیعی از اراضی دهقانان را با اشکال مختلف از جمله به صورت سرنیزه به تصرف و مالکیت خود در آورده بود و با سلب مالکیت از دهقانان فقیر، نزدیک به ۲۵۰ تن از آنان را در ازای مزد ناچیزی به خدمت گرفته بود.

زمینداران منطقه از متنفذین قدیمی و وابستگان رژیم منفسور پهلوی هستند. علاوه بر سهامداران شرکت کشت و صنعت گارون، امیر حسین خان با ۱۲۰۰۰ هکتار زمین در "شعبه" و علیمردان خان با حدود ۷۰۰۰ هکتار زمین، نام های منفوری برای زحمتکشان منطقه به حساب می آمدند که به بهیمنی بهره کشی از کارگران و خانه خرابی و کسرتگی دهقانان، سفره خود را رنگین ساخته اند.

دهقانان جلگون و کارگران مبارز کشت و صنعت گارون دست در دست

هم به مبارزات گسترده ای علیه بهره کشی و استمگری زمینداران و خان ها دست زدند. تا زمین هائی را که با زور از آنها گرفته شده بود از زمینداران و خان های فئودال باز پس بگیرند.

کارگران و دهقانان در طول مبارزات پس از قیام خود نیز شاهد حمایت تیمسار مدنی استانساز خوزستان و فرماندار شوشتر از زمینداران و خان های فئودال منطقه بوده اند که علیرغم آن با اتحاد و همبستگی کارگران و دهقانان، تهاجم زمینداران و خان های فئودال همیشه در هم شکسته شده است. از جمله در تاریخ ۲۰ آذر ۵۸، تهاجم ۸ نفر از عمال امیر حسین خان و علیمردان خان را که به منظور تصرف و کشت زمین های آنان صورت گرفته بود، درهم شکستند.

پس از تهاجم ۲۰ آذر نیز دهقانان زحمتکش در مقابل حمله مسلحانه امیر حسین خان و عمال او به مقاومت برخاستند و امیر حسین خان و علیمردان خان و بیژن بختیار (خواهرزاده آنها) را دستگیر و تحویل کمیته دزفول دادند.

دهقانان با شعار:

"زمین دار نابود است، دهقان پیروز است" باخان ها و عمال آنان به معارفه برخاستند و آسپاراد سکیر کردند.

پیام کارگران به دهقانان

پس از مقاومت مهربانانه دهقانان جلگون و دستگیری زمینداران و خان ها توسط کارگران کشت و صنعت گارون طی پیامی که برای دهقانان فرستادند گفتند:

"روستائیان مبارز، شما با جلوگیری از کشت زمین ها توسط فئودال ها و ایادی وابسته شان با اینکه باند های مسلحی را با خود همراه داشتند، و می دانستید که کمیته شوشتر فرمانداری شوشتر بطور مشخص حامی آنهاست، نشان دادید که زمان آن رسیده است که دیگر سرسپردگان امپریالیسم با پیدایش زحمتکشان تا بیرون رانده شوند، شما نشان دادید که ضرورت اتحاد و همبستگی را درک کرده اید."

کارگران در پایان از دهقانان خواستند که با تشکیل شوراهای واقعی، از دستاوردهای مبارزات خود پاسداری کنند و اتحاد و همبستگی خود را تقویت نمایند.

رابطه آموزش و ...

مابقی مانده است. همانا گسست کامل کتاب با زندگی عملی است، زیرا کتاب هائی داشتیم که در آنها همه چیز به بهترین صورتی درج شده بود و این کتاب ها در اکثر موارد مشخص کننده ترین اکاذیب سالوانانهای بودند که جاهل سرما به داری را کاذبانه برای ما تصویر می کردند. بدین جهت فرا گرفتن ساده و کنایه مآبانه و آن چیزی که در کتاب های مربوط به کومبسم مسطور است به منتها درجه نادرست می باشد. اکنون در طبقه ها و مقالات ما تکرار ساده آن چیز هائی که سابق در باره کومبسم گفته می شد، وجود ندارد، زیرا آن طبقه ها و مقالات ما با کار روزمره و همه جانبه رابطه دارد. کتب علومات کتابی در باره کومبسم از روی رسالات و تالیفات کومبستی بدون کار و بدون مبارزه، واجد هیچ گونه ارزشی نیست، زیرا چنین علوماتی به گسست قدیمی بین تئوری و پراتیک، یعنی به آن گسست قدیمی که تغیر انگیز ترین صفت جامعه کهنه بورژوازی را تشکیل می داد، گماکان ادامه خواهد داد. از این هم خطرناک تر خواهد بود اگر فقط به فرا گرفتن شعار های کومبستی بپردازیم، اگر ما به این خطر به موقع پی نبریم و تمام فعالیت خود را متوجه آن نیازیم که این خطر را بر طرف نمائیم، آن وقت نیم میلیون از یک میلیون تن از پسران و دانشجویان که پس از این گونه آموختن کومبسم خود را کومبست خواهند نامید، فقط زبان عطیمی به امر کومبسم وارد خواهند ساخت.

لنین
وظایف سازمان های جوانان

ما، شورای انقلاب و تحولات ...

ما، ناچیزماندن حد آگاهی سیاسی و طبقاتی توده دهقانان و یکی از عوامل عمده تشکیل و مندم آگاهی توده های افغان ریاست های نادرست "حزب پرچم" و دیگر احزاب مترقی افغانستان می دانیم، ما آن سیاستی را که به جای آنکه به ما به جای کوشش و فداکاری در جهت تشکیل و آگاهی توده ها، تسلیح و بسیج آنها، برای درهم شکستن جبهه ضد انقلاب به تسخیر مابین نظامی دولتی می اندیشد، سیاست طبقه کارگر نمی شناسیم. اعتقاد داریم که احزاب ترقی خواه افغانستان باید به انقلاب توده های بیندیشند و تنهائی لایزال تاریخ را در توده های میلیونری محروم افغانستان جستجو کنند.

ما در این حال سیاست کنونی دولت ایران را نسبت به افغانستان سیاستی در جهت مخالف منافع مردم ما و سرزمین افغانستان در جریان است بطور آشکار جانب فئودال ها و سران مرتجع عشار را گرفته است.

شورای انقلاب و وزیر خارجه حوادث اخیر افغانستان را فرصتی مناسب یافتند تا با استفاده از رادیو تلویزیون و مطبوعات توجه مردم را از جنایت ها و دسیسه های امپریالیسم امریکا و سرمایه داری وابسته به آن منحرف سازند، آنها می گویند انرژی انقلابی توده ها را متوجه نیروهای انقلابی و ترقی خواه ایران و جهان سازند.

ما این سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران را محکوم می کنیم و آن را مخالف منافع خلق های زحمتکش، ستم کشیده و محروم ایران و افغانستان میدانیم. چنین سیاستی مستقیم و غیر مستقیم در خدمت فئودال ها و سران مرتجع عشار قرار گرفته و از جانب دولت های امریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، استرالیا، ژاپن، چین و اسرائیل و دیگر دولت های ارتجاعی تأکید و حمایت شده است.

سازمان ما که در راه آرمان های طبقه کارگر و زحمتکشان ایران گام برمی دارد، از آرمان زحمتکشان افغانستان خود را جدا نمی داند، طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، برای مردم افغانستان سرزمینی مستقل، آزاد و دموکراتیک را آرزو می کند.

آزادی های دموکراتیک در سراسر ایران مومن و معتقد نباشند، کاندیدائی که حمایت از ضبط فوری زمین های مالکین بزرگ، به سود شوراها و اتحادیه های دهقانی و خلق بد و مضاد فوری اموال سرمایه داران وابسته را وظیفه عاجل خود ندانند، کاندیدائی که حق خود مختاری خلق ها را به رسمیت نشناسد، کاندیدائی که تا مین حق برابری زنان و مردان را در شئون و حقوق اجتماعی در دستور کار خود نداشته باشد، کاندیدائی که ضرورت بسیج نظامی و تسلیح خلق را در برابر تهاجمات و توطئه های امپریالیسم واپسگاه داخلی آن یعنی طبقه سرمایه دار، نادیده انگارد، کاندیدائی که در برنامه خود تحکیم نظام شورائی را منظور نکرده باشد، کاندیدائی نیست که بتواند مورد پشتیبانی انقلابیون کومبست قرار گیرد.

و از آنجا که هنوز اساسی کاندیداهای رئیس جمهوری رسماً اعلام نشده است، و هنوز عفا آرائی ها به پایان نرسیده و برنامه کاندیداهای مشخص نشده است، لهذا اعلام حمایت سازمان از یک کاندید یا اعلام انصراف خود را از شرکت در انتخابات، به روزهای آینده موکول کرده ایم.

توجه به آنچه گفته شد ما در انتخابات آتی، با از یک کاندید در برابر دیگران پشتیبانی نمی کنیم با کلا در انتخابات شرکت نخواهیم کرد. در صورت شرکت در انتخابات، بر مبنای مواضع طبقاتی، سابق مبارزاتی و برنامه ای که هر کاندید ا ارائه می دهد، اتخاذ تصمیم خواهیم کرد در هر حال سازمان ما، احزاب و محافل سرمایه داران لیبرال را راهگشای تحکیم مجدد سلطه امپریالیسم می شناسد، زیرا این جریان ها در حال حاضر خطر عمده برای جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران محسوب می شوند. ما در جریان انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران خواهیم کوشید تا جبهه کاندیداهای وابسته به این احزاب و محافل در پیشگاه خلق های قهرمان، میهن فاش و افشاء شود، تا چنین نامزدهائی فرصت نیابند از طریق فریب خلق و وعده های آزادی دروغین آراء آنان را به سود خود به صندوق ها بریزند.

از سوی دیگر کاندیداهائی که برای ادامه مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به حوی که دربرگیرنده حقوق و منافع کارگران و زحمتکشان میهن باشد، برنامه ای مشخص ارائه ندهند، نامزدهائی که به ضرورت تأمین و حفظ

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی و

بقیه از صفحه ۱

صف بندی طبقات ابعاد مشخص تری ...

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - دمکراتیک بوده هارا همچنان در احتیاج دارد با شد و با صمیمیت ترین که از دست ندهد ، قطب زاده سانسورچی معروف جمهوری اسلامی را ما مور کرد کسه سانسور و کنترل افشاکاری های دانشجو یان مسلمان پیرو خط امام را بر عهده گیرد و سرانجام روز یکشنبه ۹ آذر ماه اطلاعاتی از طرف شورای انقلاب صادر شد که طوسی آن پس از مقدّماتی منی بر ضرورت افشاکاری ها اعلام می داشت :

افشاکاری ها حجاب داری کردند راهپیمایی سازمان ما ، در این رابطه از اهمیت سیاسی فراوانی برخوردار بود . آیت الله خمینی سیاست محتاطانه ای در پیش گرفت و در سخنرانی ای که در اوایل هفته گذشته گذشته برای پرسنل شهر باسی که به پدارا و آمده بودند ایراد کرد

« شورای انقلاب » در عمل با تمام امکانات کوشش دارد تا اثر و دامنه تودهای افشاکاری های کنونی را محدود کند و بخصوص از عمق طبقاتی آن بکاهد .

یکبار دیگر تاکید کرد که در جمهوری اسلامی تعاون ها و تجمعات طبقاتی "مغول" ، "محترم" و "مقدس" شمرده می شود و به ویژه با اشاراتی که به نیروهای منرقی مذهبی داشت آنها را مورد استناد شدید قرار داد .

تحلیل اسناد باید با رعایت همه جنبه های اسلامی و در پی صدور رای دادگاه صالح صورت گیرد . روشن است که مقدمات اطلاعاتی شورای انقلاب ، تنها بر فیشار ایلات توده های میلیونی میسر بر آدامه مبارزه صدامیربالیستی نوشته شده است . زیرا حکم شورای انقلاب افشاکاری کنترل و محدود نیست افشاکاری ها دلالت دارد .

بازرگان دعوت به سازش می کنند

با این همه " حوزه علمیه قم که نزدیکی آن با آیت الله خمینی قابل تاکید است به نحو روشن و مصممی از ادامه افشاکاری های اطلاعیه های بعدی ضمن هشدارهایی برای دقت عمل بیشتر ، مواضع قاطع تری را در حمایت از ادامه افشاکاری ها اعلام داشت .

« آیت الله خمینی سیاست محتاطانه ای را در پیش گرفت و در سخنرانی که در اوایل هفته گذشته برای پرسنل شهر باسی که به پدارا آمده بودند ، ایراد کرد ، یکبار دیگر تاکید کرد که در جمهوری اسلامی ، تفاوت ها و تمایزات طبقاتی "مغول" ، "محترم" و "مقدس" شمرده می شود .

حجت الاسلام خوشبینی ، که تا قبل از آمدن قطب زاده نقش درجه اول را در افشاکاری های مرکز جاسوسی ایفا نموده است طی مصاحبه ای گفت : " این همفاسنادی که در مرکز اسناد ساواک ایران وجود داشت کدام یک برای ملت ایران افشاشد از سوی دیگر آنها افشای جریانات انحرافی سیاسی مبارزاتی در دادگاه انقلاب رسیدگی می شود " خوشبینی " مشخصا از سیاست بازرگان سخن گفت و افزود در سیاست گام به گام از امریکا " ستوالی " بود " و به این ترتیب او یک بار دیگر برای واقعیت تاکید کرد که بورژوازی لیبرال ، با امیربالیسم امریکایی پیوند دارد . او موکداً بر این نکته تاکید کرد که " مسئله جاسوسی یک فرد نیست اگر جاسوسی فردی بود چندان فاجعه در دنیا نبود . فاجعه این است که یک جریانی انحرافی که می رفته است همه چیز انقلاب را فضا کند و چه سادگی این جریانی انحرافی عناصر صافی راهم

هراس شورای انقلاب از مبارزه توده ها

" شورای انقلاب " در عمل با تمام امکانات کوشش دارد تا اثر و دامنه تودهای افشاکاری های کنونی را محدود کند و بخصوص از عمق طبقاتی آن بکاهد .

اتحاد چنین سیاسی ارجان شب شورای انقلاب قابل پیش بینی بود مواضع عناصر سرشناسی را نفوذ در شورای انقلاب قبل از اعلام سیاست رسمی آن راه را برای چنین پیش بینی هموار کرده بود . به علاوه هرگاه ترکیب طبقاتی شورای انقلاب را مورد بررسی قرار دهیم می بینیم که این پیش بینی بسیار آسان تر از آنچه تصور می رفت امکان پذیر بود .

آیت الله بهشتی و حجت الاسلام رفسنجانی ، وزیر کشور ، که هر دو از اعضای صاحب نفوذ شورا هستند بطور آشکاری از " انتظام " جاسوس امیربالیسم امریکایی دفاع کرده و بار صافی خود را از افشاکاری ها اعلام داشتند . نیروهای انقلابی و صدامیربالیست با آشکار شدن حشمت نشانه های کنترل سرعها واکنش نشان دادند . این نیروها به احاطه محلف برای خنثی کردن نوطه های لیبرال ها از ادامه

خرده بورژوازی که امیک در پیکار خرده بورژوازی علیه بورژوازی لیبرال برای تحکیم مواضع قدرت سیاسی تجلی می یابد ، باور دارند ، صرف نظر از ذمهات و ادعاهایشان عملاً در آغوش بورژوازی لیبرال درمی غلطند و کسانی که تلاش می کنند طبقه کارگر را به دنباله روی خرده بورژوازی وادارند و از شکل واقعی طبقه کارگر جلوگیری کنند ، آنها هم در خدمت بورژوازی لیبرال فرار می گیرند و در نهایت آب به آسیاب امیربالیسم می ریزند ، چرا که در غیاب تشکیل طبقه کارگر و و در غیاب صیغ مستقل طبقه کارگر ، سراجام خرده بورژوازی که در عصر کنونی توان تاریخی رهبری پیروز میابد انقلاب دمکراتیک را ندارد به جای آن که رهبری پرولتاریا را بپذیرد به دنبال بورژوازی لیبرال خواهد

راه معاس می گذارد و هرگاه کسی باسند کسه " کوشی برای شدن ، جسمی برای دیدن و قلبی برای طیب شدن داشته باشد می تواند این مبارزه طبقاتی بطور عینی در حال گسترش را تمرین دهد و تمام سی نحولات و رویدادهای سیاسی جامعه ایران را با این معیار مورد تفسیر و ارزیابی عینی قرار داده و تا کیک های مناسب را اتخاذ کند . نخستین و ابتدائی ترین و طبیعی کمیست ها این است که بر این مبارزه طبقاتی نکیه کنند . مبارزه طبقاتی که تمام سلول های جامعه را در بر گرفته است در کارخانه می خورند ، در روستا می خورند ، در بازار می خورند ، در کوچه خیابان ، مدرسه و دانشگاه و روی دیوارهای شهر و ده و حتی در انبوس ها و تاکسی ها ، در هر

به درون خود جذب کرده مانند مطرح است . بازرگان به ما بیدگی اردوستان خود در مقابل سخنرانی خوشبینی عکس العمل نشان داد و گفت " آیا امریکا و دشمنان داخلی از سیاست به قول جناب عالی گام به گام بیشتر شاد می شدند یا از این که سازندگان و دست اندرکاران انقلاب اسلامی ایران در حساس ترین روزها به جان یکدیگر بیفتند ؟ " مبارزه طبقاتی بیسی خرده بورژوازی بورژوازی لیبرال که بر سر تحکیم قدرت سیاسی جریان دارد ، در پاسخ کوتاه بازرگان دقیقاً انعکاس یافته است . بازرگان عضو شورای انقلاب است خوشبینی طلب می کند که به سیاست سازش با او بیارانش نین در دهد و سیاست " هم سخ های " خود را

« طبقه کارگر باید در مبارزه علیه بورژوازی لیبرال قاطعانه شرکت جوید و مرتباً فرق میان سیاست پیگیر خود را با سیاست ناپیگیر خرده بورژوازی به توده ها توضیح دهد و بطور مشروط از خرده بورژوازی حمایت کند .

مت و بدین ترتیب شکست استراتژیک جنبش صدامیربالیستی - دمکراتیک خلق های ایران قطعی خواهد شد . با همین ارزیابی کونیستی است که ما ایمان داریم طبقه کارگر باید در مبارزه علیه بورژوازی لیبرال قاطعانه شرکت جوید و مرتباً فرق

کجا که اثری از طبقات هست می توان تجلی آشکارو با رز آن را دید و لمس کرد . امروز و هر روز که می گذرد ، تزهات کسانی که هر پدیده سیاسی را حدا از مضمون عینی و طبقاتی آن - البته نه در حرف بلکه در کردار - مورد ارزیابی و تفسیر قرار می دهند ، و با یافته های مجرد ذهن خود در می آمیزند ، در مقابل چشمان ما رنگ می سازد و بی حاشی تری می شود . کم کم بسیاری متوجه می شوند که باید سبیل خروشان " مبارزه طبقات را باور کنند . سبلی که بورژوازی لیبرال را باور می دهد ، خود را در آن می بیند و کمونیست ها بر سر همین سبیل ساختن تاریخ را باور دارند . آشنایان خواهد بود اگر تصور کنیم تنها بورژوازی لیبرال است که از این " سبیل " هراسناک است . همیشه آشنایان که در کنار این سبیل خروشان به نظاره ایستاده اند ، با همه ادا اطوارهای کونیستی شان در این هراس به سر می برند .

که بر مسند شورای انقلاب بکبه زده اند ، بپذیرد . به این ترتیب همه شواهد حاکی از تشدید مبارزه خرده بورژوازی و بورژوازی لیبرال است . این مبارزه طبقاتی که در حقیقت اگر خواسته باشیم در ابعاد گسترده تری از آن سخن گوئیم ، مبارزه ای است که در چهار چوب تضاد تاریخی - طبقاتی خلقی میان امیربالیسم صورت می گیرد . در مبارزه بین طبقات جامعه منجلی می شود و در شرایط مشخص کنونی جامعه ما ، جهت عمده آن مبارزه بین طبقه کارگر ، دهقانان و دیگر بخش های خرده بورژوازی از یک سو و بورژوازی وابسته که در شرایط فعلی توسط بورژوازی لیبرال رهبری می شود ، از سوی دیگر است .

این يك مبارزه طبقاتی تمام عیار است

اگر نخواهیم خود را اسیر ملانقطی هایی ساریم کسه از مارکسیسم تنها این را موخته اند که به ما ایراد بگیرند چرا این بیان آن کلمه را آورده ایم بدون آن که به مضمون واقعی آنچه که ما در اعلامیه ها و مقالات خود از آن سخن می گوئیم توجه کنند و انگای ما را نسبت به واقعیت رنده ای که هر روز و هر ساعت و حتی هر لحظه در جامعه در حال تحول ما می گذرد انگشت گذارند آن وقت می توانیم با صراحت تمام بنویسیم ، آنچه در پیش روی ما جریان دارد یک مبارزه طبقاتی تمام عیار است . در این مبارزه طبقاتی تمام عیار ، طبقات سمای واقعی خود

« مبارزه طبقاتی بیسی خرده بورژوازی و بورژوازی لیبرال که بر سر تحکیم قدرت سیاسی جریان دارد ، در پاسخ کوتاه بازرگان دقیقاً انعکاس یافته است .

میان سیاست پیگیر خود را با سیاست ناپیگیر خرده بورژوازی به توده ها توضیح دهد و بطور مشروط در برابر دشمن مشترک یعنی بورژوازی وابسته و امیربالیسم از خرده بورژوازی حمایت کند . تا در جریان پیشبرد مبارزات صدامیربالیستی - دمکراتیک خلق و در روند مبارزه آگاهی و تشکیل خود را ارتقاء دهد ، بر حیثیت و اعتبار خود در سطح جنبش پیفزاید و سرانجام رهبری خود را در جنبش تأمین نماید و پیروزی انقلاب دمکراتیک خلق های ایران را امکان پذیر سازد .

فرهنگی با امیربالیسم جهانی بسرکردگی امیربالیسم امریکا

نفتگران مبارز حفاری و مبارزات پیگیر آنان (قسمت دوم) علیه شرکت های امپریالیستی در جنوب

در شماره پیش شرح بهره‌کشی و غارت شرکت‌های امپریالیستی و حامیان ایرانی آنان را، از کارگران میهنمان، خواندید، در این بخش شرحی کوتاه از وضعیت کارگران و روابط آنان با کارفرما می‌خوانید. ادامه این گزارش در شماره آینده کار خواهد آمد.

وضعیت کارگران حفاری، شرایط عمومی و روابط آنان با کارفرما

از ۴۳ نفر کارکنان ایرانی شرکت‌های حفاری و خدمات حفاری بخش اعظم آن را کارگران حفاری تشکیل می‌دهند که از محکمترین بخش‌های طبقه کارگران ایران هستند. علاوه بر این ها تعداد زیادی کارگر ساده نیز به صورت پیمانی برای این شرکت‌ها کار می‌کنند. که کارشان عمدتاً نگهداری، حمل و نقل مواد و تجهیزات در جاهای پادوئسی مخصوص برای خارجیان بود. کارگران پیمانی عمدتاً از میان روستاییان بی زمین و فقیرترند یک محل چاه و به صورت فصلی از طریق شیخ، خان یا کدخدای محل استخدام می‌شدند و در میان آنها تعداد زیادی پیرمرد و کودک نیز دیده می‌شد. شرکت‌های امپریالیستی در ازمایشگاه‌ها و کارگاه‌های خود حدود ۱۰۰ تومان به شیخ خان یا کدخدا که نقش پیمانکار نیروی انسانی را بازی می‌کرد می‌دادند. و این پیمانکار تنها بخشی از این مبلغ (و حداکثر ۵۰ تومان آن را در روز) به کارگران پرداخت می‌کرد. این کارگران به غیر از این دریافتی از هیچ‌گونه حقوق و مزایای دیگر برخوردار نبودند و در حالی که در زیرگرمای ۵۰ درجه تابستان جنوب و باران و سرمای زمستان و به جان خرییدن هزاران خطر، از جمله خطر انفجار و آتش سوزی چاه، جان می‌کندند. حتی حق استفاده از آب آشامیدنی در سرچاه را نداشتند و مجبور بودند با طوسی مسافت‌های طولانی و در شرایط سخت تمام نیازهای خود را از دهکده‌های دور و نزدیک فراهم نمایند. نحوه رفتار خارجیان با این کارگران مثل رفتار با وحوش بود.

برای کارگران رسمی نیز شرایط چندان بهتر نبود. حقوق، مزایا و حداقل شرایطی که حتی در قانون کار آریامهری هم تأیید شده بود، در مورد این کارگران رعایت نمی‌شد.

نحوه پرداخت به این کارگران به این ترتیب بود که آنان دو هفته را بدون تعطیل در دو نوبت ۱۲ ساعته روزگاری شب کار، در سرچاه کار می‌کردند و یک هفته را به استراحت می‌رفتند. به این ترتیب ساعات کار رسمی آنان به ۵۶ ساعت در هفته می‌رسید. بدون این که در برابر تفاوت این ساعات کار، با ساعات کار هفتگی مقرر در قانون کار آریامهری (یعنی ۴۸ ساعت) دینساری اضافی دریافت دارند. گاهی می‌شد که کارگران به‌حالی ۱۲ ساعت کار تا ۱۸ ساعت در روز بطور بی‌وقفه

کار می‌کردند در حالی که هیچ‌گاه بیش از ۴ ساعت فوق‌العاده در روز به آنان پرداخت نمی‌شد. خستگی مفرط ناشی از چنین جان‌کدنی تعداد مرگ و میر و تصادفات و نقص عضو در اثر خستگی را افزایش می‌داد. تازه پس از این‌که کار طولانی، کارگران می‌بایست گاه به گاه مسافت محل حفاری را تا استراحت‌گاه - که حتی به چند کیلومتر هم می‌رسید - بپیمایند، تا بتوانند "استراحت" کنند. یکی از کارگران می‌گفت که "ما پس از ۱۲ تا ۱۶ ساعت کار آنچنان خسته‌ایم که در حقیقت بقیه شبانه روز را استراحت نمی‌کنیم بلکه در پیوسته به سر می‌بریم.

در محل حفاری هیچ‌گاه وسایل ایمنی لازم برای شرایط خطرناک عملیات حفاری وجود نداشت. خستگی مفرط ناشی از کار، نبود وسایل ایمنی و خطرناک بودن شرایط کار، آمار بیماری، تصادفات و زخمی شدن‌ها را بالا می‌برد. ولی در محل حفاری نه درمانگاه و داروئی یافت می‌شد و نه حتی وسیله‌ای برای حمل زخمی و یا بیمار به بیمارستان وجود داشت. کارگری می‌گفت: "روزی ناچار شده است به انگشت بریده پیاده خود را از سرچاه به نزدیک ترین جاده برساند تا شاید بتواند خود را در شهر محل معالجه کند. در حالی که هرگاه یک خارجی حتی سردرد هم می‌گرفت تمام وسایل و تجهیزات را برایش فراهم بود.

تازه پس از دو هفته کار در چنین شرایطی کارگران باید به محل زندگی خود در شهرهای دور و نزدیک می‌رفتند که اغلب در روز از یک هفته استراحت آنان صرف این کار می‌شد. شرکت‌های امپریالیستی حفاری و خدمات حفاری در تمام طول این سال‌های غارت و بهره‌کشی هیچ‌گونه اقدامی برای تهیه مسکن برای کارگران خود نکردند. همچنین برای پائین نگاه داشتن آگاهی کارگران نسبت به آموزش‌های عمومی و تخصصی به آنان داده نمی‌شد بلکه با استثمار و وحشتناک آنان عملاً امکان مطالعه و اطلاعات آنان را از آنها می‌گرفت.

کارچاق کن‌های امپریالیسم در این شرکت‌ها برای استثمار هرچه بیشتر کارگران از شیوه‌های گوناگون سرکوب و تفرقه افکنی استفاده می‌کردند. به عنوان مثال هرگاه کارگری سه ماه را بدون تصادف یا بیماری کار می‌کرد به او کفش و لباس کار داده می‌شد و در صورت هرگونه

تسلیم ناپذیری و تشکل کارگران سرچشمه پیروزی آنهاست

کارگران بیکار پرونده‌های بندرحمی (شاهپور سابق) که در شرکت "آسون" و بیشتر "گاز حملات شرکت‌های عاریتگر امریکائی است. کاری کرده‌اند. در شهر بورما گذشته نگاشتی نظم و تسلیم اداره کار بندر کردند تا ضمن رسیدگی به جیا و لو بهره‌کشی شرکت، حقوقی را که بابت عائله مندی - مسکن - آب و دهب و ... به کارگران تعلق می‌گرفته ولی شرکت از پرداخت آن خودداری می‌کرد و به حساب کارفرما منظور می‌داشتند، نقداً به آنان مسترد نماید. با اینکه این شکایت طی این مدت ارجاع به نمایندگان کارگران مصداقست و اعتراضاتی نسبت به تعلل اداره کار در رسیدگی به این مسئله نبر می‌شده است، با این حال جنسی پیش کارگران مطلع می‌شوند که مسئولین اداره کار در صدد برآمدن است، پرونده را به نام کارفرمایان امریکائی فیصله دهد. قضیه از طرف نمایندگان کارگران فوراً تعقیب و صحت و سقم آنرا خواستاری شوند. اداره کار از جواب

حادثه باجماری از اس "حواجر" محروم می‌گردد. ولی دیگر کارگران آن را دریافت می‌کنند. نسخه این که اولاً خود کارگر حتی در صورت بیماری با رخصتی شدن به تنها جرایم را گزارش کرده و درخواست معالجه و استراحت نمی‌نمود بلکه سعی داشت این امر را از رویای خارجی و ابیادی "ایرانی" شان بپوشاند. ثانیا، دیگر کارگران چون خود او این "جایزه" را دریافت می‌کردند در صدد حمایت از همکار خود نبودند. انگار بیماری یا حادثه برای کارگر گناه ناخوددستی‌ای بود که وی مرتکب نمی‌شد. در محل "استراحت‌گاه" نهار خوری و خوابگاه کارگران از کارمندان جدا بود. شرایط استراحت گاه و کیفیت غذایی که به کارگران داده می‌شد چنان بد بود که هرگز با به یاد سربازخانه‌های رضاخان می‌انداخت. حداقل دستمزد کارگران تا همین اواخر روزی ۲۵ تومان بود. یک مکانیک بایرگ کار ایرانی بطور متوسط ماهی ۴-۶ هزار تومان حقوق می‌گرفت. در حالی که حقوق یک خارجی در همان شرایط تا ۳۱ هزار تومان در ماه می‌رسد و شرکت حفاری به حساب همان مکانیک بایرگ کار ایرانی ماهانه ۵۰۰۰۰ تومان از شرکت نفت دریافت می‌کرد. به این ترتیب کارگران ایرانی ناچار بودند در سخت ترین شرایط کار تن به اضافه کاری و در نتیجه خستگی مفرط، فشارهای عصبی، بیماری و پیری زودرس و تصادفات مرگ بپذیرند. تازه در همین شرایط سخت کارگران امپریالیست و عمال داخلی آنان که از وجود نیروی کار ارزان و بیکاری کارگران ایرانی مطلع بودند، هر کارگر را به راحتی پس از چند سال جان کندن برای جلوگیری از آذغای او در مورد حقوق خود، به هزارو یک بهانه اخراج می‌کردند. در تمام طول سال‌های گذشته هزاران کارگر حفاری که جوانی و نیروی کار خود را به بیکاری برای امپریالیسم هدر داده بودند، بی دلیل اخراج و به ارتش ذخیره بیکاران پیوستند. بدون این که به خاطر محدودیت ناشی از ویژگی تخصص خود بتوانند کاری برای خود دست و پا کنند.

بنابراین طبیعی بود که کارگران حفاری بهره‌کشی امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن را همراه با ستهم و بدگمانی رزیم دست نشانده‌اش با تمام وجود حس کرده و سرشار از نفرت طبقاتی به این دشمنان خود باشند و با شروع حشش صدامپریالیستی - دیکرانیک سال گذشته به پسا خاسته و فعالانه در آن شرکت کنند. به روشنی بد است که چگونه هدف طبقه کارگر ایران در مبارزه با امپریالیسم، متوجه ناسودی سرمایه‌داری وابسته آن و گام گذاشتن در مسیر تحفوق سوسیالیسم می‌باشد.

● کارگران پرونده‌های یکبار دیگر در پرتو همبستگی مبارزه حق طلبانه خود، به خدمتگزاران امپریالیسم که می‌پنداشتند می‌توانند حقوق مطالبه شده آنان را به نفع غارتگران امریکائی زیر پا بگذارند، درسی از اراده و تسلیم ناپذیری کارگری نشان دادند.

است و مانعی توانیم از عهده چنین خواسته‌هایی برآئیم. اما کارگران پاسخ این استدلال سفیهانه فرماندار را می‌دهند. بطوری که یکی از کارگران می‌گوید: "مهم نیست ما کارگران برای گرفتن حقوقمان شهادت را انتخاب کردیم." فرماندار که می‌پنداند می‌تواند در مقابل خشم کارگران حرفی بزند به ناچار می‌گوید: "اگر رای در شورای عالی کار بشکند، رای مجدد به نفع کارگران صادر خواهد کرد."

و قرار بر این می‌شود که نمایندگان کارگران سندیکای پرونده‌های شورای عالی کار بروند و برای ابطال رای صادره بی‌گیری کنند.

کارگران پرونده‌های یکبار دیگر در پرتو همبستگی مبارزه حق طلبانه خود، به خدمتگزاران امپریالیسم که می‌پنداشتند می‌توانند حقوق مطالبه شده آنان را به نفع غارتگران امریکائی زیر پا بگذارند، درسی از اراده و تسلیم ناپذیری کارگری نشان دادند.

بدون شک مبارزه کارگران برای ابطال قوانین ضد کارگری گذشته و تهیه و تدوین قوانین جدید کار توسط نمایندگان واقعی کارگران با اراده و همبستگی طبقه کارگر ایران امکان پذیر خواهد بود.

اراده و همبستگی کارگران بیکار پرونده‌های استوار بساد

طفره می‌رود ولی در فبال با فشاری نمایندگان ناچار می‌شود اعلام نتیجه را به روز ۱۲ آذرماه موقوف نماید. روز موعود وقتی کارگران برای کسب نتیجه در اداره کار اجتماع می‌کنند، مواجه بسیاری اعلام شده شورای حل اختلاف می‌شوند که به سود کارفرما صادر شده است. رسواتر از هر چیز دلیل شورای حل اختلاف ورشپس اداره کار، صالحی، در توجیه این کار بوده است که استناد به قوانین دوره رژیم مزدور و سرسپرده پهلوی می‌کند و می‌گوید:

"چون این مسئله مربوط به دوره طاغوت بوده، ما هم باید با قوانین دوره طاغوت رای خود را صادر کنیم"

کارگران از این عمل خشمگین شده و رای را مردود اعلام می‌کنند. فردای روز بعد کارگران مجدداً در اداره کار جمع می‌شوند و نمایندگان سندیکای کارگران پرونده‌های به منظور بیان اعتراض کارگران، درخواست ملاقات با فرماندار و رئیس اداره کسار را می‌کنند. ولی نه فرماندار و نه رئیس اداره کاریجه‌کدام در پست‌هایشان حاضر نبوده و حتی در منازلشان نیز دیده نمی‌شوند!!

نمایندگان، توطئه غیبت مسئولین امور برای کارگران افشاء می‌کنند و قرار می‌شود که روز شنبه ۱۷ آذرماه بازم در اداره کار ماهشهر اجتماع کرده و اعتراض خود را ادامه دهند.

روز چهارشنبه ۱۴ آذر نمایندگان کارگران سندیکای پرونده‌های آبادان موفق می‌شوند با فرماندار، بخشدار و رئیس اداره کار ماهشهر (صالحی)

نقل به اختصار از "کار جنوب" شماره ۱۵

ادامه دارد

کار مسکن آزادی

(قسمت دوم)

بمناسبت صدمین سالگرد تولد رفیق حیدر عمو اوغلی «هرچه حیدر خان بگوید راست است» (ستارخان)

تهاجم تبریز و حیدر عمو اوغلی

سال ۱۲۸۶ (۱۹۰۷) ایران توسط دودولت روسیه، تزاری و امپریالیسم انگلیس به مناطق نفوذ تقسیم شد. انقلاب آذربایجان به مخاطره افتاده بود. روحانیون مرتجع رهبری "شیخ فضل الله نوری" درکنار آزادیخواهان و انقلابیون و شکست جنبش مشروطیت، محمد علی میرزا را تشویق می کردند. محمد علی میرزا به کمک حامیان خود مجلس را به نوبت بست و کشتار وسیعی در تهران راه انداخت. تهران موقتاً سقوط کرد. در این هنگام تبریز به صورت کانون اصلی مبارزه علیه استبداد درآمد. جنبش انقلاب در تبریز می طپید.

رفیق حیدر عمو اوغلی، برای تدارک سازماندهی مقاومت مسلحانه مردم تبریز که به رهبری ستارخان شکل گرفته بود به باکورت و به جمع آوری پول و اسلحه پرداخت. او محاهدین و فدائیان تبریز را برای مقاومت مسلحانه خلق سازماندهی نمود و همتی و دلاوری طلب گری را نیز به منظور تقویت پیکار قهرمانانه مردم تبریز به آذربایجان گسیل داشت.

تبریز قهرمانانه به دفاع از دستاوردهای انقلاب برمی خیزد.

در محاصره سیزده ماهه تبریز، نقش سازماندهی حیدر عمو اوغلی و سوسال دمکرات هائی همچون "علی موسوی" مورد تأکید همه مورخین مشروطیت است. سوسال - دمکرات های انقلابی سازماندهی بسیاری از "بارکادها" را بر عهده داشتند. و دلاوری و قهرمانی های آنان همواره سرمشق درختانی برای انقلابیون کمونیست است. حیدر عمو اوغلی در جریان محاصره تبریز، نقش فعالی در درهم شکستن پشت جبهه دشمن داشت. ابتکارات انقلابی او در این دوره در تاریخ مبارزات خلق های ایران از شهرت خاصی برخوردار است. او در سازماندهی فتح تبریز نقش برجسته ای داشت. کاردانی و قاطعیت او بدون اعراق یکی از عوامل پیروزی انقلابیون به حساب می آید. نقش رفیق حیدر عمو اوغلی در جنبش مقاومت تبریز و فتح تهران با این کلام مشهور ستارخان در باره او، به روشن تر شدن شکلی آشکار می شود. ستارخان قهرمان بزرگ بهضت مشروطیت همواره می گفت "هرچه حیدر خان بگوید همان است".

دشمنان خلق با نام "مشروطه خواه" به قدرت می خزند

پس از فتح تهران دشمنان خلق های ایران سرنگ نازه سازی کنند. آنها خود را دوستان مردم معرفی کرده با ماک مشروطه خواهی رام امور را به دست می گیرند. آنچه که پس از فتح تهران بر سر آمده های قیام کننده گندست شباهت های فراوانی به واقعیات امروز مبین ما دارد. فتوادل ها، تجار بزرگ، سرسپردگان امپریالیسم، بیعی "مستومی الممالک ها" و "الدوله ها" و "امین التجارها" به قدرت می خزند و از همان آغاز کوشش می کنند با دستگیری و خلع سلاح انقلابیون و بدنام کردن نیروهای مبارز و استناد از احساسات مذهبی مردم راه را برای غلبه بیشتر خود هموار کنند.

حکام به قدرت رسیده ستارخان را با حیل و نیرنگ به تهران فرامی خوانند و افراد او را خلع سلاح می کنند. سید عبدالله بهبهانی به کمک بخشی از روحانیون مرتجع با استفاده از احساسات مذهبی مردم قدرت بلامنازع می یابد. حزب اعتدالیون که توسط فتوادل ها، اشراف، تجار بزرگ و حامیان امپریالیست آنان سازمان یافته بود، توسط روحانیت مرتجع حمایت می شود. و سره های انگلیسی یکی پس از دیگری بر سر کار گمارده می شوند.

حیدر عمو اوغلی و دمکرات ها برای سازماندهی مقاومت مردم حزب دمکرات را ایجاد می کنند. اساد این حزب نشاندهنده نقش فعال حیدر عمو اوغلی و سوسال - دمکرات های انقلابی آن دوره در سازماندهی و فعالیت های این حزب است. حزب دمکرات به افتخار دشمنان مردم که قیام دوستی برهن کرده بودند و عوام عربیانه خود را "انقلابی"، "مشروطه خواه"، "طرفدار مردم" می خواندند، می پردازد و نفوذ فوق العاده ای در میان مردم پیدا می کند. طی این سال ها تمامی سنگر های انقلاب توسط حاکمان به ظاهر مشروطه خواه درهم کوبیده



حیدر خان عمو اوغلی در لباس افسری ژاندارمری

می شود. انقلابیون مورد تعقیب، حبس و اعدام فرار می گیرند و بیش از همه سوسال دمکرات های انقلابی مورد آزار قرار می گیرند. انجمن های یوده های درهم شکسته می شوند و حقوق و آزادی های سیاسی از آنان سلب می گردد. بورژوازی به نهضت های مقاومت بگردد. پس از دیگری سازمان داده می شود. نهضت "کلنل پیمان" در خراسان، خیابانی در تبریز درهم کوبیده می شود و برای درهم کوبیدن "نهضت جنگل" توسط فتوادل ها، سازشکاران، اشراف و امپریالیسم انگلیسی زمینه جینی می شود. زندگی حیدر عمو اوغلی در این دوران سیر سرشار از ایمان به خلقی، فدائاری در راه آرمان های آنان و سرسختی در دشمنی با خلق های ستم دیده و زحمتکش است.

شرکت درکنگره پراگ و ملاقات با لنین

رفیق حیدر عمو اوغلی طی این سال ها، از یک سو به شرکت فعال در نهضت مقاومت مخصوص "نهضت جنگل" پرداخت و از سوی دیگر در انجام وظایف انترناسیونالیستی استواری و پیشکار درخورد ستایشی از خود نشان داد. در سال ۱۹۱۲ به کنگره پراگ رفت و در آنجا با لنین ملاقات نمود و درباره مسائل انقلاب ایران به رایزنی پرداخت. او به هنگام انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، در روسیه بود و فعالانه در انقلاب شرکت داشت.

رفیق حیدر عمو اوغلی ریاست هیات نمایندگان ایران را درکنگره شرق به عهده داشت و درکنگره خلق های خاور زمین نیز که در کاپویرگزار شد، اصول برنامه لنینی مبارزه مردم خاور را می پذیرد. او در اتخاذ برنامه درست حزب کمونیست ایران نقش برجسته ای بازی می کند. وی در این هنگام، رهبری حزب کمونیست ایران را بر عهده داشت و با مجاهدت های خود، در وحدت صفوف انقلابیون ایران، اتحاد عمل انقلابیون در نهضت جنگل و "پیروزی جمهوری سرخ گیلان" سهم درجه اول داشته است. برنامه رفیق حیدر عمو اوغلی جهت برقراری نظم سوسیالیستی استوار است که حاکی از سوغ و دید عمیق وی است. او در این تحلیل مختصری از ساخت اجتماعی - اقتصادی جامعه و برکت طغفانی آن ارائه می دهد و حسین نتیجه می گیرد:

"حما می طبقات نامرده در بالاترین ۱۵ سال اسد ر حال خوش و خروشا انقلابی هستند و بدتر بدن وضع

این مقاله ادامه بزرگداشت صدمین سال تولد رفیق حیدر عمو اوغلی است که در شماره قبل کار، بخش نخست آن به چاپ رسید. در بخش پیشین بطور مختصر به شرح سال های کودکی و جوانی حیدر عمو اوغلی که همزمان با سال های تکوین انقلاب مشروطیت ایران بود، پرداختیم. در بخش دوم (قسمت آخر) این مقاله به نقش عملی رفیق حیدر عمو اوغلی در انقلاب مشروطیت و انترناسیونالیسم پرولتاری می پردازیم.

اقتصادی آنها موجب افزایش انرژی انقلابی آنها است و افکار انقلابی را ناگزیر می سازد. صنایع و بخش است که مرحله اول نهضت انقلابی باید رنگ رهایی بخش ملی داشته باشد...

رفیق حیدر به این نتیجه می رسد که وظایف حزب کمونیست ایران (عدالت) باید بر پایه اصول زیرین باشد:

۱- ایجاد عده زیادی کادر محکم حزبی که حزب بتواند به وسیله آنان رهبری مستقیم بر توده های وسیع طبقات زحمتکش را در دست بگیرد.

۲- گرد آوردن همه نیروهای انقلابی کشور را طراف حزب زیر پرچم نهضت آزادیبخش ملی علیه امپریالیست های خارجی و مبارزه با دولت شاه که به خارجی ها فروخته شده است.

۳- تبلیغ و تهییج وسیع که چشم و گوش مردم را به نقش امپریالیسم جهانی در ظلم و تعدی نسبت به توده های خلق و همچنین چشم مردم را به سیاست انگلیس در ایران باز کند و بدین ترتیب حتی نفرت آنان را علیه اشغالگران خارجی برانگیزد.

۴- کار تبلیغاتی دامنه دار در میان دهقانان و مستمندان شهری به منظور ایجاد آگاهی طبقاتی در میان آنان.

۵- کار تشکیلاتی وسیع بین طبقات زحمتکش، ایجاد اتحادیه ها و مساعادت و گسترش نهضت سندیکایی و تعاونی و دادن محتوای انقلابی به آنها و رهبری مشی سیاسی آنها. ۶- ایجاد نیروهای مسلح انقلابی ملی برای مبارزه علیه امپریالیست های خارجی و دولت شاه.

۷- سرنگون ساختن دولت شاه و ایجاد نظام سیاسی نوینی که از لحاظ سازمانی شکل حکومت شوروی داشته باشد...

رفیق حیدر در برنامه حدافتی که ارائه می دهد در بند ۲ (قسمت اقتصادی) برای نارسائی های جامعه و ایجاد نظم نوین راه حل زیر را ارائه می دهد:

۱- ایجاد فوری راه آهن میان مراکز عمده ایران، ۲- ایجاد اعتبار برای اصلاح اراضی در تمام کشور تا دهقانان و باغداران کوچک بتوانند از اداراتی دولت وام ارزان به دست آورند.

۳- تاسیس بانک های تعاونی برای ایجاد شبکه وسیعی از تعاونی های مصرف و تولید و تامین صنعتگران و پیشه وران از حیث اعتبارات ارزان.

۴- ایجاد فوری یک رشته ساختمان های آبیاری و بهره برای سهولت رساندن آب.

۵- مساعدت از طرف دولت برای ایجاد و توسعه صنایع ملی.

۶- بهره برداری از معادن نفت.

۷- بهره برداری از بعضی فلزات و معادن اساسی با وسایل دولتی.

۸- مقامات حزبی برای دفاع از منافع توده های زحمتکش باید به تشکیل اتحادیه در هر یک از رشته های تولیدی و ایجاد اتحادیه کارگران و کارمندان دولت، اتحادیه شاگردان پیشه وران شهری، اتحادیه مستمندان روستائی مساعدت کنند و آنها را در شورای اتحادیه های ولایتی متحد سازند.

در مورد حل مسئله ارضی برنامه زیر را ارائه می دهد:

۱- ملی کردن املاک مزروعی بزرگ و ایجاد ذخیره زمین های ملی از این املاک.

۲- واگذاری املاکی که بیش از حد نصاب معینی است به مالکیت کامل دهقانان نیازمند.

۳- به دهقانی که در نتیجه عدم کفایت املاک خصوصی زمین نرسیده باشد باید از زمین های متعلق به دولت قطعه زمین لازم داده شود.

۴- تمام ایلات و عشایر کوچ نشین کشور مارانیز باید از لحاظ زمین تامین نمود.

و با این حملات برنامه حدافل راه پایان می رساند: ما با انجام این تدابیر فقط مرحله اول مبارزه در راه برانداختن کامل استعمار انسان را به پایان می رسانیم. پس از آن حزب ما مبارزه خود را با نیروی خصل ناپذیر در راه پیروزی آرمان های بزرگ سوسیالیسم که بدون آن خلق های عقب مانده قادر نیستند از سیستم جهانی آزاد گردند، ادامه خواهد داد.

پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد و وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

سالگرد نبرد مسلحانه خلق فلسطین گرامی باد



سالگرد آغاز نبرد مسلحانه خلق فلسطین را علیه صهیونیسم و دولت‌های امپریالیستی حامی آن ، به خلق فلسطین تبریک می گوئیم .
خلق قهرمان فلسطین در سال‌های گذشته با جانبازی و اراده آهنین خود و نثار هزاران شهید ، ضرباتی سنگین بر بیکر صهیونیسم و امپریالیسم جهانی وارد آورده و خدماتی گرانبها به جنبش‌های آزادی‌بخش جهان کرده‌است .
مطمئنیم که خلق قهرمان فلسطین سرانجام شکست کامل صهیونیسم و پیروزی قاطع خود را در وطن خویش جشن خواهد گرفت . خلق‌های قهرمان ایران ، پیروزی خلق فلسطین را پیروزی خود و مبارزه خود را مبارزه خلق فلسطین می‌دانند .

راه سرخ بهروز بهروزیا ادامه دارد



پرسنل انقلابی نیروهای مسلح آذربایجان طی اعلامیه‌ای تیرباران سوان بهروز بهروزیا را محکوم کرده و اعلام کرده‌اند :
"ما پرسنل انقلابی نیروهای مسلح آذربایجان ضمن محکوم کردن اعدام این افسرانقلابی بار دیگر پیوند خود را با خلق‌های زحمتکش میهنان اعلام کرده و در راه رهایی زحمتکشان میهنان از ستم طبقاتی و ملی مبارزه خواهیم کرد ."

اعدام مجاهدین احمد و عبدالحسین عسکری

را محکوم می‌کنیم

در طول چند ماهی که از قسام شکوهمد خلق‌های ایران می‌گذرد ، نیروهای ترمی خواه و انقلابی هیچ وقت از تعرض عوامل امپریالیسم و مرتجعین کوردل مضمون نبوده‌اند . در این فاصله ما شاهد بازداشت ، شکنجه ، زندان و اعدام انقلابیون فراوانی بوده‌ایم .
ار حمله طبق اطلاعات موجود بدو تن از فعال‌ترین چهره‌های سیاسی و مذهبی سرورستان بنام‌های احمد و عبدالحسین عسکری که در بازداشت دادگاه انقلاب اسلامی قم بودند ، توسط مرتجعین به

کمک‌های مالی دریافت شده

کد	مبلغ به ریال	کد	مبلغ به ریال	کد	مبلغ به ریال
۵۵۵ م	۵۰۰۰	۶۱۷ م	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۱۱ ع	۵۰۰۰	۱۲۰ ج	۵۰۰۰	۱۲۲ ن	۵۰۰۰
۲۳۵	۵۰۰۰	۱۲۸ م	۵۰۰۰	۱۶۲ ب	۵۰۰۰
۹۰	۵۰۰	۱۷۰ م	۵۰۰۰	۲۳۱ ج	۵۰۰۰
۲۲۱ ل	۳۰۰۰	۲۲۲ ج	۱۰۰۰	۲۲۸ م	۵۰۰۰
۲-۲۷۶	۱۰۰۰	۲۹۱ ج	۱۰۰۰	۲۲۹ م	۱۲۰۰۰
۱۵۱ م	۵۰۰	۲۹۸ م	۵۰۰۰	۲۳۶ م	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰ ب	۱۰۰۰۰	۱۹۵ م	۵۰۰۰	۲۳۷ م	۱۰۰۰۰
۲۱۲ ج	۱۰۰۰۰	۲۲۱ ج	۱۰۰۰۰	۲۳۸ م	۱۰۰۰۰
۲۷۶ ج	۱۰۰۰	۳۰۰	۱۰۰۰	۲۳۹ م	۱۰۰۰۰
۷۷۱ م	۱۰۰۰	۳۰۰	۱۰۰۰	۲۴۰ م	۱۰۰۰۰
۲ الف	۱۰۰۰۰	۶۱۱ ر	۱۰۰۰۰	۲۴۱ ج	۱۰۰۰۰
۲۲۱ ج	۱۰۰۰۰	۵۲۵	۱۰۰۰۰	۲۴۲ م	۱۰۰۰۰
۵۰۰۰ ج	۵۰۰۰	۲۲۲ م	۱۰۰۰۰	۲۴۳ ج	۱۰۰۰۰
۵۵۳	۱۲۰۰۰	۲۴۵ ج	۱۰۰۰۰	۲۴۴ ج	۱۰۰۰۰
۲۵۶ م	۱۰۰۰۰	۲۴۹ م	۱۰۰۰۰	۲۴۵ ج	۱۰۰۰۰
۲۵۷ م	۱۰۰۰۰	۵۲۲ ج	۱۰۰۰۰	۲۴۶ م	۱۰۰۰۰
		۱۳۰ م	۱۰۰۰۰	۲۴۷ م	۱۰۰۰۰

خوزستان در مبارزات طولانی علیه امپریالیسم‌ها به خوبی دریافت‌اند که گسترش و تعمیق و پیروزی نهائی انقلاب در گرو مبارزه قاطع و بی‌امان با امپریالیسم و پایگاه اصلی آن یعنی سرمایه‌داری وابسته است .
در مقاله ضمن برشمردن تک تک کارخانه‌های بزرگی که هر یک به شکلی به امپریالیسم وابسته‌اند ، به مبارزات کارگران قهرمان این صنایع برای قطع وابستگی‌ها اشاره شده و نقش عناصر صد انقلابی منطقه همچون مدنی استا نندار خوزستان و کیان فرماندار اهواز که همه کوشش خود را برای سرکوبی مبارزات صدامپریالیستی و ضد سرمایه‌داری کارگران به کار گرفته‌اند ، افشا شده‌است .

کارگاه

محتوی و مضمون مبارزات کارگری خوزستان آمده‌است که بکسی از جنبه‌های تحسین برانگیز جنبش کارگری در خوزستان جنبه قوی و آشکار صدامپریالیستی آن است . علت این امر ، آسود در حضور و نفوذ آشکار و پرسابقه امپریالیسم در جنبات اقتصادی خوزستان جستجو کرد .
در خوزستان جنبش کارگری آشکارا با سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم رودررو و در حال ستیز است .
در مقاله آمده‌است کارگران مبارز

توضیح برای هواداران

از آنجا که گروه اسرف دهقانی ، نشریات خود را با امضای چریک‌های فدائی خلق و حتی جعل آرم "سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران" انتشار می‌دهد و از آنجا که ممکن است هنوز بسیاری از هم‌میمنان از اختلافات اساسی ایدئولوژیک سازمان با این قبیل گروه‌ها مطلع نباشند ، از همه اعضاء و هواداران سازمان می‌خواهیم برای مردم توضیح دهند که تنها نشریات و اعلامیه‌هایی که به نام و امضای سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران منتشر می‌شود ، به سازمان تعلق دارد .
بدیهی است که اهمیت این امر بیشتر از آنجا ناشی می‌شود که در مواردی دیده شده ، توده مردم مواضع غلط و انحرافی این گروه‌ها را که به زبان جنبش صدامپریالیستی - دمکراتیک میهنان است ، با مواضع سازمان اشتباه می‌کنند ، که این خود می‌تواند به حیثیت و اعتبار سازمان و جنبش صدامپریالیستی ایران به ویژه جنبش کارگری آسیب‌های جدی وارد سازد .

رابطه آموزش و پراتیک

در این مرحله درک خلاق رابطه تئوری و پراتیک بطور اعم و آموزش و پراتیک بطور اخص مورد نظر است . پراتیک به معنای تغییرفعال واقعیت و تئوری به مثابه آنچه که از پراتیک برمی‌خیزد و راهنمای آن می‌شود . در آمیختن آموزش با زندگی ، احتراز از مجرداندیشی و کلی‌گویی ، چکیده درک لنینیستی از پیوند آموزش و زندگی است .
ورطه هولناک گرافه‌گوشی روشنفکرانه اریک سو وایتسدا ل امپریسم (اصالت عمل) از سوی دیگر در انتظار کسانی است که نمی‌توانند دیالکتیک تئوریک و پراتیک ، آموزش و زندگی را دریابند .
انقلابیون کمونیست می‌باید با این دو انحراف اساسی و مهلک به مبارزه‌ای بی‌گم‌برخیزند ، ما با درک این ضرورت لازم دانستیم آموزش بزرگ لنینیست را در این پاره یادآور شویم .
من باید بگویم که نخستین و ظاهراً طبیعی‌ترین پاسخ به این موضوع آن‌است که سازمان جوانان قبه در صفحه ۴

توضیح درباره کمک‌های مالی

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران همواره تنها به حمایت مردم قهرمان ایران تکیه داشته‌ام و امروز هم مانند همیشه متکی بر پشتیبانی هواداران است .
کمک‌های مالی خود را از هر طریق که می‌شناسید و اطمینان دارید ، به دست‌رسانی سازمان برسانید . از آنجا که نمونه‌هایی دیده شده‌است که عده‌ای با مقاصد مختلف با استفاده از نام سازمان ، به جمع‌آوری کمک‌های مالی می‌بادرت کرده‌اند ، به دوستان و رفقا توصیه می‌کنیم برای اطمینان از دریافت کمک‌هایشان توسط سازمان به رابط دریافت کننده پول یک عدد سه رقمی هم که نوید شما انتخاب کرده‌اید ، همراه با حرف اول نام خود به عنوان "کد" بدهید .
سازمان "کد" و حرف اول نام شما همراه با مبلغی که پرداخته‌اید در نشریه "کار" به چاپ می‌رساند . به این ترتیب شما اطمینان خواهید یافت که کمک مالی تان به سازمان رسیده است . لازم به تذکر است که رابطه به هیچ وجه نباید به یک رابطه تشکیلاتی تلقی گردد .
ما زهم میهنان مبارز می‌خواهیم با دقت کافی نسبت به این مسئله مانع از سوء استفاده عناصر فرصت طلب شوند .

کار ویژه افشای سرمایه‌داران لیبرال

با اینکه در شرایط فعلی احزاب و محافل سرمایه‌داران لیبرال خطر عمده برای جنبش صدامپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران هستند ، با این همه طبق دستورالعمل "شورای انقلاب" افشای اسناد جاسوسی عوامل سیا و ساواک که همگی در همین احزاب و محافل گرد آمده‌اند ، محدود و تحت کنترل در آمده‌است .
ما در پاسخ "شورای انقلاب" که توده مردم را برای شنیدن حقایق و اطلاع از ماهیت دوستان و دشمنان خویش صالح تشخیص نداده و برای نجات دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکایی اعلام داشتند که اگر احیاناً سندی در مورد وابستگی این احزاب و محافل به دست آمد ، در دادگاه‌های در بسته بررسی شود ، برپا انتشار "کار" ویژه افشای سرمایه‌داری لیبرال "ضمیمه نشریه شماره ۳۹ - ۴۰ و برگزاری اجتماع روز شنبه ۱۵ دی ماه در دانشگاه تبریز ، کوشیدیم ، دادگاه افشاکاری را در حضور خلق برپا داشتیم .

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

عزگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما

ویژه افشای سرمایه داران لیبرال
دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا
حجمه ۱۲ شماره ۱۳۵۸

کارگران و زحمتکشان
برای افشاء و طرد سرمایه داران لیبرال و
پشتبرد عمارزه ضد امپریالیسم - دموکراتیک
متحد شوید

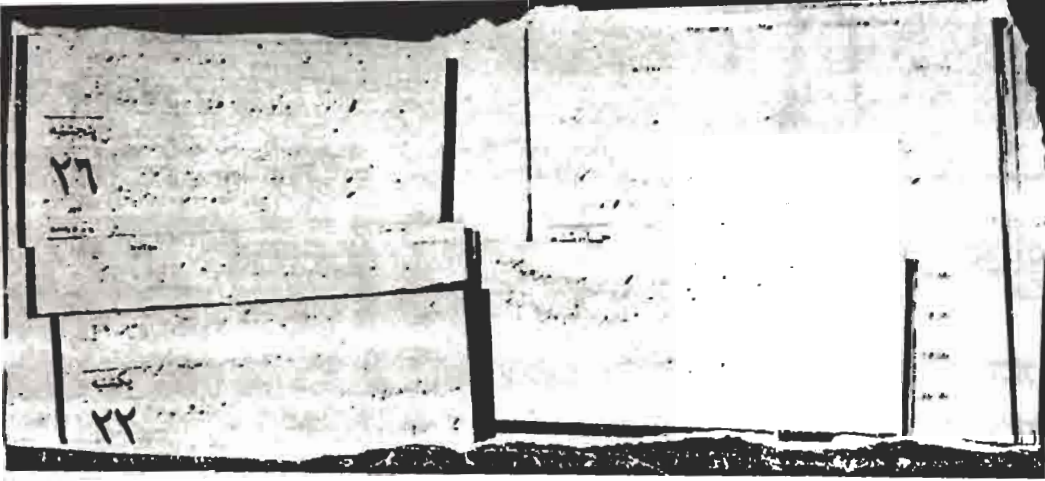
یادداشت های
مقدم مراغه ای ،

درپیشگاه خلق افشاء کنیم

- امیرانتظام با مقدم مراغه ای همکاری نزدیک داشته است.
- یادداشت های مراغه ای نشان می دهد که وی رابط یک شبکه جاسوسی است که برای آمریکا کار می کند.
- مراغه ای از طریق جاسوسان سفارت امریکا به نام های "توم پرشت" اطلاعات لازم را برای "کاخ سفید" فراهم می آورد.

دسیسه های تازه امپریالیسم امریکا

این اسناد بسیار جالب و کجکی از محومه بوطه ها و دستهای امپریالیسم امریکا را افشا می کند. این اسناد نشان می دهد که امپریالیسم امریکا حکومتی دارد که کمک دوستان و جاسوسان خود سازمان های اطلاعاتی و مخابراتی را در اختیار دارد. حسن بوده ای را به مخابرات کشاند و سلطه خود را بر آنجا مستحکم کرد. از مقام تاکنون دستجات لیبرالی تلاش داشته اند تا اسناد کوباکسون و به هر ترتیب که شد جلوی کسری مخابرات مخابراتی را بگیرند. آنها از تکیه بر ناگفته و نکرده های "مستحکم" و "مستحکم" و "مستحکم" بودن و از سوی دیگر با مهربانی و محبت در سازمان های اطلاعاتی کوشش کرده اند و با آرزوی خواجه و همکار مردم خائوس و مهربانی و مهربانی مهربانی کنند. اما طوفانی کشید که کسری مخابراتی را در افشای مست اسناد دوستان و مخابراتی را با مارتین و ماخسان را بر سر دم آنگار ساخت.



مقدم مراغه ای کیست؟ در صفحه ۲

دقت و حساسیت ما هموران بسیار

در باره نقش و موقعیت گروه پنج نفری

از مطالعه یادداشت های مراغه ای می بینیم که طی چند ماه پیش از تمام فعالیت جاسوسی امریکا در ایران تنها به امیرانتظام و مقدم مراغه ای محدود شده است. اینها اطلاعات دست اول دیگری از کارهای حادانه دست می آورند. بعد نبود یک دسیسه بندی سطح مفرقه برکت از حمران، نقش زاده برزی، نشاطانی، صانتیان و نسدرب کرهس آنان در مادیات آن از جمله است که در میان ما برانست کابل مورد توجه ماوراز بنا بوده و بخور مستمر بوسه

سوزی است و مگر سبب کام بد کام است در جوابه این بد آفای موسوی جوشنی ربط و علنا یک بار دیگر به دفاع از این سبب سرمایه داران لیبرال پرداخته است. وطنه ما و دیگر نیروهای مبارز و انقلابی است که به بوده های مردم نشان دهم این سبب در یک ساله اخیر نفس فقط این بوده که راه سازش حمران های حربه موروثی را با سرمایه داری انحصاری وابسته به امپریالیسم خمور سازد و به این ترتیب حمران را به سبب کشاند. وطنه ما و دیگر نیروهای مبارز و انقلابی است که با تمام نیرو به افشای ماحبت طغیانی، سابق سببی و سبب کوسی محافل سرمایه داران لیبرال کسر بددم و ربر و بم سبب های آنها را در محصر دادگاه خلق های مهربان ایران بر ملا سازم.

مراغه ای که برای کراری به مقامات باوق "انظم می بد در مورد مجلس حمران کوبانی کوسه ای از این واقعیت است. براغه ای نظرات، نکات و مسائلی را که در رابطه با مجلس حمران و فاسون ساسی سن می آمد برای سازمان "سپا" کراری می کرده است. آنچه بوحسه بقده در صفحه ۲

• مبنی بازگان در کراری که روز ۱۸ سپتامبر استرادی کسار ۱۷ سپتامبر از بخران منظم برای سبب نرساد بدادست. بی کوسه.

"نظی استی را فرد منن برسی می دایم اگر با امریکا هم سببانی داشته باشد روی تبادل نظر و مصلحت اندیشی است."

• مبنی بازگان روز جمعه ۱۲ آبان ۵۷. معن یک روز نسل از سبب شوج. روزی که رژیم ساد سن ارکساری و حمران دولت مغانی ارخاری را روی کار آورد. در مباحثه ما حمران از ایران سب می کوسه.

"گمان می کنم نظی استی بواوند بوق شود و با حمرانی هم که در اجناس من است، کمکش می کنم."

• ما این دوست را بدادست دلیل هموار نه. و در دم ما است سبب اتحاد بود کد بازگان سبب مصلحت. اما با حمران در برابر دستگاه ساد. استی را سبب کرده است. حمران بازگان که نرساد سبب است. بده است.

لیبرالیسم قبای امپریالیسم

بازرگان از طرح اعلام انحلال "مجلس خبرگان" چه قصدی داشت؟! امریکا درباره تمام مسائل حارت کسور اطلاعات دست و دست اول جمع آوری می کند تا سواست طرح های مورد نظر خود را به اجرا در آورد. یادداشت های

امیرانتظام و سرکا طراچ کوبانی بقده

امیرانظام و سرکا؛ طراح کودنای بعد بازرگان از طرح اعلام انحلال ...

گاری بود و بعد مردم مخالف کند حد
خواهد شد؟ چون روسفکر نوی حماسان
سی آند. آنها حزب اللهد را راد
می اندازند و همه جا آتوب می کنند.
در باان حلد امیرانظام سی کوسند
فردای آن روز ساعت ۱/۳۰ با بازرگان
فرار ملافات دارد. و مساله را با وی شرح
می کند. فرار می شود صبح یکشنبه ۲۹ مهر
نسخه را مراعاتی از امیرانظام تلفسی
ببرسد. سازمان ما در روزهای بعد اطلاع
ناعت که فرار بوده است تمام اعمسای
کاسه بازگان استعفاي خود را بنوسند
و اعلام انحلال مجلس حیرکان را اعلام
کند و با این کار روحانیت را در برابر
عمل انجام شده فرار دهند و میروسطه
جواحی خود را بر فایون اساسی
تحمل کند. آن روز تحلیل ما از این
حیر آن بود که لسران جا با یک کودنای
سعد صد حمسی را ندارد دند اسد
و امروز ما این اطلاعات که به دست
آورده ام صحت تحلیل ما به استناد
می رید.

یادداشت های مقدم براغهای ...

دستجات و گروههای لسران بسند
ساستهای کوناگون جورب کرفد.
لازم به تذکر است که طی ۸ ماهه
احمر بعربا جمه حیرانهای لسرانسی
به نوعی دست خنکازی و دوستی
به سوی سازمانهای انقلابی و پسررو
از حله سازمان با درار کردید. حیسر
انحاد نسرد - عد ساسور - که ارحانیت
جمن محافل سینه - شده بود فسلل ار
آن که طرح محمی هم برای آن تنظیم
کرده ساسد از رادبوی بی بی سی.
جسی - این سربره به علت مخالف
سازمان حرکتی فدائی خلق ایران
با تکرفد. در سدهای مسارده ۶ و ۷
جمن بره نامد. مینار حلدلی سسرای
مراعاتی نقل می کند که محاجسدان
فدانان. جسی کارگران سوسالست -
حیدر دیکرانک ایران و سسلسارت
گروههای دیگر "ترار است" جمن حمید
اعلامه سبرک خود را صادر کند.
این اظهار نظر اولاً حمايت است
ساستداران را سان می دهد که ما حد
جد از رابطه سروسها و میندی حسی
وجود به دور و بی حیر بودید. ساسا
بارهم سان می دهد که حکومت حیرت
جمنبوی خلق سلمان و سرکا - ما حد حد
می کوسنداد از جسی سازمانهای
انقلابی که ساینه درحسان مبارزاتی
دارند به خود خود اسفاده کرده خود را
با مردم جا بریدند.
این سرتکها محجان اادانه می ماند
از حله آرکد در مظاهرهای که از سسرب
ظرداران آسالد سرعمنداری در سسرب
در ناسان کند به جناب استکان

مقدم براغهای کیست؟

ایناسی می دند و بدینها برای جنجیک
حو سکل دولت نابل نبود. بلکه از
سج و س جنج یک را جزو دوشان خلق
عی ساخت. اما وقتی به اسنجات امام
میتدیس بازگان به حجت وریزی رسید
خبرها تا وریورجس بی اسنجاتی مردم به
بازرگان این شاصر جم یک یک فرصت
نامسد به سوی قدرت تحرد و سسهای
وزارت و وکالت را اسحال کند. حراس
هم اسنظار بی رف بررا میتدیس بازگان
کی است که علی ایسی. این مرسد
رحم اللد مراعاتی را "مردمپسرسی"
می داند و حاضر است در کاسه اوسرک
کد.
مر خمس رسنه و ما بوجه به روابط
سثار بردیک و صمصامه رحم اللد
مراعاتی با آت اللد سرعمنداری که در
سسرب صاحب نفوذ است وی ساسناداری
آدرناحان سرفی بزکریده می شود و از
همان اسندا بر علم فرسسد
آزادخواجی "به نفوس" حیرت
جمنبوی اسلامی خلق سلمان "حمس
کاسد و ما حمايت خمس حیرت که امروز
دیکر ناجت حماسان و مدافعان آن برای
مردم ما روس شده است. به ساسندکی

سخنان به بهترین وجه بیان می دهد که
چگونه امپریالیسم امریکا می گوید: ضمن
جساندن مهره ساجنه شده خود به
سازمانهای انقلابی و پسررو و بهره برداری
از سوانق دوشان مبارزاتی آنان. از
یک سو مردم را نسبت به مهره ساسای
دست نشانده خود و حیران های وابسته
به امپریالیسم خوشبین کند و از سوی
دیگر آنها را نسبت به سازمان های
انقلابی و پسررو بدبین سازند.
سازمان ما افتا و طرد سوزروازی
لسران را که یکی از مهمترین باگاه های
امپریالیسم امریکا و دشمن عمده گسترش
مبارزات صدامپریالیستی - دمکراتیک
خلق های ایران است وظیفه خود می داند
و براین اعتماد است که ساسبت و خط
رستی همه عیاض است. محافل. سازمان ها و
اجزایی که به نحوی از آنها سسازس
با این حیران بورژوا لیبرالی را توصیه
می کنند و با مثل "دفتر امام خمینی"
صدا سس صف مردم و این حیران را
"سوا فاهم" می دانند همگی سسخصا
راه را برای رشد و تحکیم سلطه
سرمایه داری وابسته باز می کنند و همه
کسانی که اسفای قاطع این حیران ها را
"نه مصلحت" نمی دانند و فکر می کنند
که این کار ارجاع را "تقویت خواهد کرد"
و به سود "دمکراسی سسبت" ساسسد
دانند که عمل آنان در خدمت تقویت
حیران های وابسته به سرمایه داران لسران
که در سرباط کوسبی به گفته امیرانظام
آخرین امند امپریالیسم امریکا محسوب
می شوند درآمده است. مضمون مسارده
در راه آزادی ساسی در جامعه بورژوائی
ما که سس از هر چیز برای طبقه کارگر
معد است معاما معارست از سسبازنه
علیه امپریالیسم و سرمایه داری
وابسته.

مجلس خبرگان انتخاب شد.

مراعاتی از همان عناصری است که
مطابق این مدارکی که منتشر می کنیم
فرهنگ امپریالیستی او را "روشنفکر"
می نامد. روشنفکری که مظهر دشمنی با
طبقه کارگر با خلق سنگتن و مظهر
دوسی و دلسوری برای امپریالیسم امریکا
است.
حراس هم اسنظار نفی رود. آنطور که
از گزارشها بداست "روشنفکر" از
دندگاه امپریالیسم امریکا تنها کسی
است که از طبقه سرمایه دار و از منافع
امپریالیسم دفاع کند و بداند بهترین
طریق فریب دادن مردم اادامه استنثار
طبقه کارگر و دیکر زحمتکشان و تحکیم
سلطه سرمایه داری وابسته کدام است.
ما با اسنثار یادداشت های اسس
به اصطلاح "روشنفکر امریکائی" که درسه
بودن سند افتاکری "دانشجویان
سلمان سسرو خط امام" را تا تأیید می کند
از زاویه ای دیگر مشخعات دوشان و
جاسوسان امریکا و سسبت امپریالیسم
در ایران را بطور جامع به نوده های
مردم سسیر معرفی می کنیم.

آری! مراغهای جاسوس است.

۱۰ آنان آخرین
طلاقات مراعاتی ما "روشنت"
صورت می کرد. حالت است که
برست اسندوار است بعداز هفتده
با دو ماه دیگر امریکا در ایران
سعر داسه ناسد. هر چند گسه
لحن و مضمون صحبت های برشت
و مراعاتی سسار نومیدانه است
وه آنان تاریخ آخرین یادداشت
مراعاتی است بقیه آوران تقوسم
سعد است. به روز بعد سساربت
امریکا اسحال می شود.

مقدم براغهای کیست؟

ایناسی می دند و بدینها برای جنجیک
حو سکل دولت نابل نبود. بلکه از
سج و س جنج یک را جزو دوشان خلق
عی ساخت. اما وقتی به اسنجات امام
میتدیس بازگان به حجت وریزی رسید
خبرها تا وریورجس بی اسنجاتی مردم به
بازرگان این شاصر جم یک یک فرصت
نامسد به سوی قدرت تحرد و سسهای
وزارت و وکالت را اسحال کند. حراس
هم اسنظار بی رف بررا میتدیس بازگان
کی است که علی ایسی. این مرسد
رحم اللد مراعاتی را "مردمپسرسی"
می داند و حاضر است در کاسه اوسرک
کد.
مر خمس رسنه و ما بوجه به روابط
سثار بردیک و صمصامه رحم اللد
مراعاتی با آت اللد سرعمنداری که در
سسرب صاحب نفوذ است وی ساسناداری
آدرناحان سرفی بزکریده می شود و از
همان اسندا بر علم فرسسد
آزادخواجی "به نفوس" حیرت
جمنبوی اسلامی خلق سلمان "حمس
کاسد و ما حمايت خمس حیرت که امروز
دیکر ناجت حماسان و مدافعان آن برای
مردم ما روس شده است. به ساسندکی

دقت و حساسیت مأموران سیا ...

به دست کردند. یک گروه سسب سسری
(قطب زاده، حیران، صادق طباطبائی،
بردی، صامعان) معمول سسند.
عامل تحریک و ارسال گزارش علف سسرای
امام سسمار فلاحی بود که عامل احراء
دسور گروه سسب نفی است.
(گسه ۱۸ - سسروز)
نوم: سساعه حجت وریزی بزدی ما حد
حد صحت دارد؟
مراعاتی: درمن فسانا سسسم.
(گسه ۲۹ - سسروز)
نوم: به نظر می رسد قطب زاده، بردی
حیران، طباطبائی وریزی روز سسدرت را

مهدی بازگان پیروزی قیام پر شکوه پنهن ماه را «مصیبت بزرگ» می دانند

نقل از "اطلاعات" سوم آذرماه ۱۳۵۸

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر، پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

شیر در دست می گیرد و بحالفس خود
را به در می کند. ساسنات اس است کد
این افراد امریکائی سسند. سوا حد تکر
می کنند؟
(مراعاتی: درماد داس سسجاس سوسسد
است. من نظر خود را کسم. ولی توضیح
نداده است که بطرس حیسب.)
گسه ۱۵ - مهر
نوم: حیسب به نظر می رسد کسسد
قطب زاده، بردی، طباطبائی، حیران
صامعان هم در دندگاه فدرمی سسند
کردماند.
اسد ۲۶ - سسروز

مطالعه دقیق این یادداشت‌ها از این نظر دارای اهمیت است که تصویر دقیقی از سیاست، شیوه‌های مورد عمل و مشکلات فعلی امپریالیسم آمریکا در ایران و مشخصات دوسان و جاسوسان آن ارائه می‌دهد

علاقات با «نوم» آلمان

Thursday 3 Aban 1358 - 25 October 1979

یادداشت

NOTES:

۱- ارتباطات ایران که سرور استوار است و دیگران را است...

۲- ...

۳- ...

۴- ...

۵- ...

۶- ...

۷- ...

۸- ...

۹- ...

۱۰- ...

۱۱- ...

۱۲- ...

۱۳- ...

۱۴- ...

۱۵- ...

۱۶- ...

۱۷- ...

۱۸- ...

۱۹- ...

۲۰- ...

۲۱- ...

۲۲- ...

۲۳- ...

۲۴- ...

۲۵- ...

۲۶- ...

۲۷- ...

۲۸- ...

۲۹- ...

۳۰- ...

۳۱- ...

۳۲- ...

۳۳- ...

۳۴- ...

۳۵- ...

۳۶- ...

۳۷- ...

۳۸- ...

۳۹- ...

۴۰- ...

۴۱- ...

۴۲- ...

۴۳- ...

۴۴- ...

۴۵- ...

۴۶- ...

۴۷- ...

۴۸- ...

۴۹- ...

۵۰- ...

۵۱- ...

۵۲- ...

۵۳- ...

۵۴- ...

۵۵- ...

۵۶- ...

۵۷- ...

۵۸- ...

۵۹- ...

۶۰- ...

۶۱- ...

۶۲- ...

۶۳- ...

۶۴- ...

۶۵- ...

۶۶- ...

۶۷- ...

۶۸- ...

۶۹- ...

۷۰- ...

۷۱- ...

۷۲- ...

۷۳- ...

۷۴- ...

۷۵- ...

۷۶- ...

۷۷- ...

۷۸- ...

۷۹- ...

۸۰- ...

۸۱- ...

۸۲- ...

۸۳- ...

۸۴- ...

۸۵- ...

۸۶- ...

۸۷- ...

۸۸- ...

۸۹- ...

۹۰- ...

۹۱- ...

۹۲- ...

۹۳- ...

۹۴- ...

۹۵- ...

۹۶- ...

۹۷- ...

۹۸- ...

۹۹- ...

۱۰۰- ...

نهار و جیدی آلمان

Thursday 1 Aban 1358 - 23 October 1979

NOTES:

۱- ...

۲- ...

۳- ...

۴- ...

۵- ...

۶- ...

۷- ...

۸- ...

۹- ...

۱۰- ...

۱۱- ...

۱۲- ...

۱۳- ...

۱۴- ...

۱۵- ...

۱۶- ...

۱۷- ...

۱۸- ...

۱۹- ...

۲۰- ...

۲۱- ...

۲۲- ...

۲۳- ...

۲۴- ...

۲۵- ...

۲۶- ...

۲۷- ...

۲۸- ...

۲۹- ...

۳۰- ...

۳۱- ...

۳۲- ...

۳۳- ...

۳۴- ...

۳۵- ...

۳۶- ...

۳۷- ...

۳۸- ...

۳۹- ...

۴۰- ...

۴۱- ...

۴۲- ...

۴۳- ...

۴۴- ...

۴۵- ...

۴۶- ...

۴۷- ...

۴۸- ...

۴۹- ...

۵۰- ...

۵۱- ...

۵۲- ...

۵۳- ...

۵۴- ...

۵۵- ...

۵۶- ...

۵۷- ...

۵۸- ...

۵۹- ...

۶۰- ...

۶۱- ...

۶۲- ...

۶۳- ...

۶۴- ...

۶۵- ...

۶۶- ...

۶۷- ...

۶۸- ...

۶۹- ...

۷۰- ...

۷۱- ...

۷۲- ...

۷۳- ...

۷۴- ...

۷۵- ...

۷۶- ...

۷۷- ...

۷۸- ...

۷۹- ...

۸۰- ...

۸۱- ...

۸۲- ...

۸۳- ...

۸۴- ...

۸۵- ...

۸۶- ...

۸۷- ...

۸۸- ...

۸۹- ...

۹۰- ...

۹۱- ...

۹۲- ...

۹۳- ...

۹۴- ...

۹۵- ...

۹۶- ...

۹۷- ...

۹۸- ...

۹۹- ...

۱۰۰- ...

علاقات با «نوم» آلمان

Monday 7 Aban 1358 - 28 October 1979

NOTES:

۱- ...

۲- ...

۳- ...

۴- ...

۵- ...

۶- ...

۷- ...

۸- ...

۹- ...

۱۰- ...

۱۱- ...

۱۲- ...

۱۳- ...

۱۴- ...

۱۵- ...

۱۶- ...

۱۷- ...

۱۸- ...

۱۹- ...

۲۰- ...

۲۱- ...

۲۲- ...

۲۳- ...

۲۴- ...

۲۵- ...

۲۶- ...

۲۷- ...

۲۸- ...

۲۹- ...

۳۰- ...

۳۱- ...

۳۲- ...

۳۳- ...

۳۴- ...

۳۵- ...

۳۶- ...

۳۷- ...

۳۸- ...

۳۹- ...

۴۰- ...

۴۱- ...

۴۲- ...

۴۳- ...

۴۴- ...

۴۵- ...

۴۶- ...

۴۷- ...

۴۸- ...

۴۹- ...

۵۰- ...

۵۱- ...

۵۲- ...

۵۳- ...

۵۴- ...

۵۵- ...

۵۶- ...

۵۷- ...

۵۸- ...

۵۹- ...

۶۰- ...

۶۱- ...

۶۲- ...

۶۳- ...

۶۴- ...

۶۵- ...

۶۶- ...

۶۷- ...

۶۸- ...

۶۹- ...

۷۰- ...

۷۱- ...

۷۲- ...

۷۳- ...

۷۴- ...

۷۵- ...

۷۶- ...

۷۷- ...

۷۸- ...

۷۹- ...

۸۰- ...

۸۱- ...

۸۲- ...

۸۳- ...

۸۴- ...

۸۵- ...

۸۶- ...

۸۷- ...

۸۸- ...

۸۹- ...

۹۰- ...

۹۱- ...

۹۲- ...

۹۳- ...

۹۴- ...

۹۵- ...

۹۶- ...

۹۷- ...

۹۸- ...

۹۹- ...

۱۰۰- ...

علاقات با «نوم» آلمان

Monday 9 Aban 1358 - 30 October 1979

NOTES:

۱- ...

۲- ...

۳- ...

۴- ...

۵- ...

۶- ...

۷- ...

۸- ...

۹- ...

۱۰- ...

۱۱- ...

۱۲- ...

۱۳- ...

۱۴- ...

۱۵- ...

۱۶- ...

۱۷- ...

۱۸- ...

۱۹- ...

۲۰- ...

۲۱- ...

۲۲- ...

۲۳- ...

۲۴- ...

۲۵- ...

۲۶- ...

۲۷- ...

۲۸- ...

۲۹- ...

۳۰- ...

۳۱- ...

۳۲- ...

۳۳- ...

۳۴- ...

۳۵- ...

۳۶- ...

۳۷- ...

۳۸- ...

۳۹- ...

۴۰- ...

۴۱- ...

۴۲- ...

۴۳- ...

۴۴- ...

۴۵- ...

۴۶- ...

۴۷- ...

۴۸- ...

۴۹- ...

۵۰- ...

۵۱- ...

۵۲- ...

۵۳- ...

۵۴- ...

۵۵- ...

۵۶- ...

۵۷- ...

۵۸- ...

۵۹- ...

۶۰- ...

۶۱- ...

۶۲- ...

۶۳- ...

۶۴- ...

۶۵- ...

۶۶- ...

۶۷- ...

۶۸- ...

۶۹- ...

۷۰- ...

۷۱- ...

۷۲- ...

۷۳- ...

۷۴- ...

۷۵- ...

۷۶- ...

۷۷- ...

۷۸- ...

۷۹- ...

۸۰- ...

۸۱- ...

۸۲- ...

۸۳- ...

۸۴- ...

۸۵- ...

۸۶- ...

۸۷- ...

۸۸- ...

۸۹- ...

۹۰- ...

۹۱- ...

۹۲- ...

۹۳- ...

۹۴- ...

۹۵- ...

۹۶- ...

۹۷- ...

۹۸- ...

۹۹- ...

۱۰۰- ...

سند همکاری بخدمت مراعاتی با آمریکا

NOTES:

۱- ...

۲- ...

۳- ...

۴- ...

۵- ...

۶- ...

۷- ...

۸- ...

۹- ...

۱۰- ...

۱۱- ...

۱۲- ...

۱۳- ...

۱۴- ...

۱۵- ...

۱۶- ...

۱۷- ...

۱۸- ...

۱۹- ...

۲۰- ...

۲۱- ...

۲۲- ...

۲۳- ...

۲۴- ...

۲۵- ...

۲۶- ...

۲۷- ...

۲۸- ...

۲۹- ...

۳۰- ...

۳۱- ...

۳۲- ...

۳۳- ...

۳۴- ...

۳۵- ...

۳۶- ...

۳۷- ...

۳۸- ...

۳۹- ...

۴۰- ...

۴۱- ...

۴۲- ...

۴۳- ...

۴۴- ...

۴۵- ...

۴۶- ...

۴۷- ...

۴۸- ...

۴۹- ...

۵۰- ...

۵۱- ...

۵۲- ...

۵۳- ...

۵۴- ...

۵۵- ...

۵۶- ...

۵۷- ...

۵۸- ...

۵۹- ...

۶۰- ...

۶۱- ...

۶۲- ...

۶۳- ...

۶۴- ...

۶۵- ...

۶۶- ...

۶۷- ...

۶۸- ...

۶۹- ...

۷۰- ...

۷۱- ...

۷۲- ...

۷۳- ...

۷۴- ...

۷۵- ...

۷۶- ...

۷۷- ...

۷۸- ...

۷۹- ...

۸۰- ...

۸۱- ...

۸۲- ...

۸۳- ...

۸۴- ...

۸۵- ...

۸۶- ...

۸۷- ...

۸۸- ...

۸۹- ...

۹۰- ...

۹۱- ...

۹۲- ...

۹۳- ...

۹۴- ...

۹۵- ...

۹۶- ...

۹۷- ...

۹۸- ...

۹۹- ...

۱۰۰- ...

علاقات با «نوم» آلمان

Monday 10 Aban 1358 - 31 October 1979

NOTES:

۱- ...

۲- ...

۳- ...

۴- ...

۵- ...

۶- ...

۷- ...

۸- ...

۹- ...

۱۰- ...

۱۱- ...

۱۲- ...

۱۳- ...

۱۴- ...

۱۵- ...

۱۶- ...

۱۷- ...

۱۸- ...

۱۹- ...

۲۰- ...

۲۱- ...

۲۲- ...

۲۳- ...

۲۴- ...

۲۵- ...

۲۶- ...

۲۷- ...

۲۸- ...

۲۹- ...

۳۰- ...

۳۱- ...

۳۲- ...

۳۳- ...

۳۴- ...

۳۵- ...

۳۶- ...

۳۷- ...

۳۸- ...

۳۹- ...

۴۰- ...

۴۱- ...

۴۲- ...

۴۳- ...

۴۴- ...

۴۵- ...

۴۶- ...

۴۷- ...

۴۸- ...

۴۹- ...

۵۰- ...

۵۱- ...

۵۲- ...

۵۳- ...

۵۴- ...

۵۵- ...

۵۶- ...

۵۷- ...

۵۸- ...

۵۹- ...

۶۰- ...

۶۱- ...

۶۲- ...

۶۳- ...

۶۴- ...

۶۵- ...

۶۶- ...

۶۷- ...

۶۸- ...

۶۹- ...

۷۰- ...

۷۱- ...

۷۲- ...

۷۳- ...

۷۴- ...

۷۵- ...

۷۶- ...

۷۷- ...

۷۸- ...

۷۹- ...

۸۰- ...

۸۱- ...

۸۲- ...

۸۳- ...

۸۴- ...

۸۵- ...

۸۶- ...

۸۷- ...

۸۸- ...

۸۹- ...

۹۰- ...

۹۱- ...

۹۲- ...

۹۳- ...

۹۴- ...

۹۵- ...

۹۶- ...

۹۷- ...

۹۸- ...

۹۹- ...

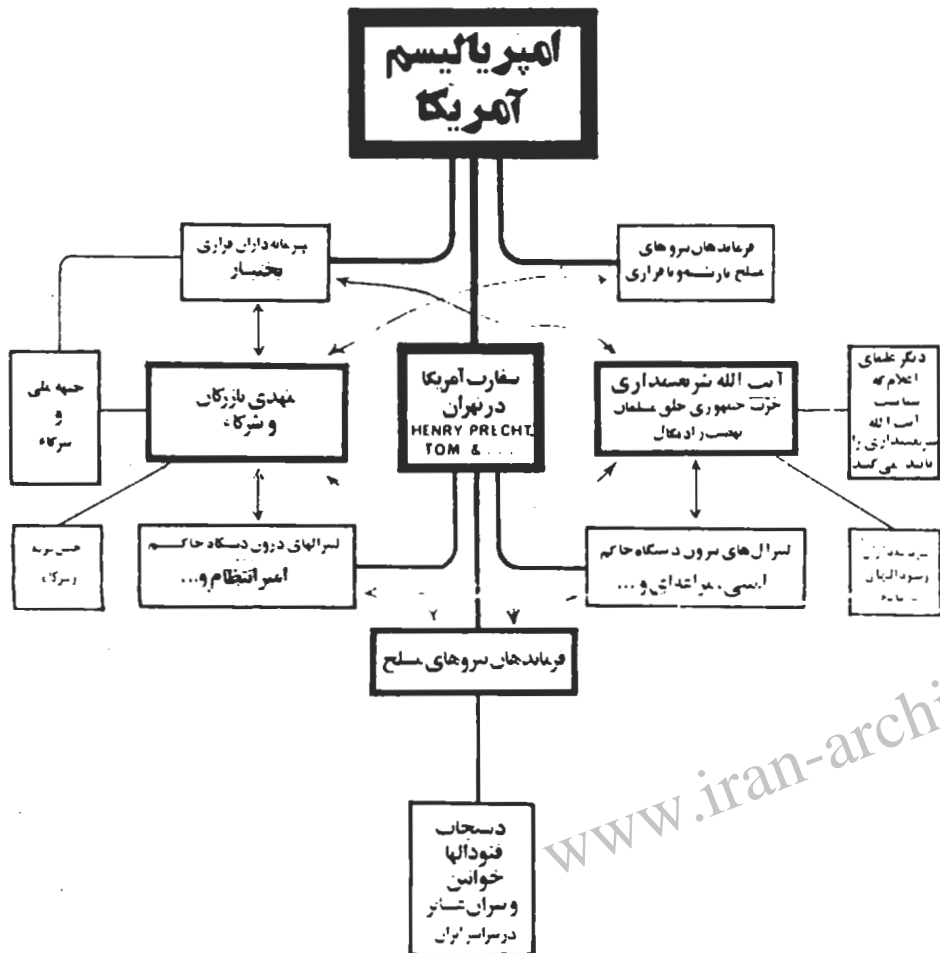
۱۰۰- ...

نابود باد جبهه احزاب و محافل سرمایه‌داران لیبرال

مشخصات دوستان و جاسوسان امریکا و سیاست امپریالیسم را بشناسیم

شناختن اجرا کنندگان سیاست امپریالیسم وظیفه همه ما است. شناختن و رسوا کردن آنها باعث میشود که دشمن نتواند توطئه‌های خود را علیه ما اجرا کند. وقتی بدانیم مشخصات دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا چیست، می‌توانیم آنها را بشناسیم و رسوا کنیم. از روی همین مشخصات بود که ما از همه‌پیش‌اعلام داشتیم اعتراضات نظام و اعتیال او عوامل امپریالیسم امریکا هستند.

این مشخصات به قرار زیر است:



بارس و بلوچستان در عمان از سوی دیگر و همچنین روابط پنهان و آشکار بران سابق ارتش آریامهری با بختیار و جریان بحث رهبری آس‌الله سررمداری همه و همه گویای توجه امریکا به طرح "خیزش" است. ما بر بنیاد تحلیل انتقادی‌هایی که تاکنون صورت گرفته، اطلاعاتی که مطابق خواهد بود و مدارک به دست آمده، نتایج از سیاست امپریالیسم امریکا و شبکه سجده‌های که هم‌اکنون در دل جامعه ما به صورت یک جریان در حال فعالیت است، تبیین می‌کنیم تا ذهن هم‌میچکن به صورتی روشن تر، از حقایق امور مطلع سازیم.

این وظیفه سازمان‌های سیاسی مردمی و مرفقی است که خلق ما را از ماهیت این جریان آگاه سازند و توده مردم را از خطری که اکنون خطر عمده برای حقیقت صد امریالیستی-دمکراتیک خلق‌های ایران محسوب می‌شود، مطلع نمایند.

مطالعه با دادگاه‌های می‌پسندد براندازی سان می‌دهد امپریالیسم امریکا پس از شاه برای حفظ واسطی‌های استعماری به سر مفسی از جامع‌ه سررمداران و اسد ما پس از دیگران دل‌خوش کرده است. سرتی کسسه امپریالیسم امریکا و مزدورسان آنها را "روسفکر" می‌نامند. اس سرکد پس از تمام بیهم ماه پس از چند در دستگاه دولت بازرگان حاجور کرده است. مدبران کارخانجات، بانکها و شرکت‌های خصوصی، کارمندان تالیسند دولست سابق و فرماندهان ارتش آریامهری رادر برمی‌گرد. اس سررمداران سنها اسمد و آجرس اسمد خود را بازرگان‌ها و سرکا می‌دانند. حله ما به سنیای حج سباری به اس سفاصلح بکوکرات سسای سررمداده امپریالیسم و سررمداداری سدارد بلکه درست برعکس ناند ما تمام سسر و به انسان ماهبت اس جریان برحسرد و اسان را از حقوق خود براند.

اسناد سان می‌دهند که امریکا همسر تم همان طرح جرح‌نای اگد سسل از

مطالعه با دادگاه‌های می‌پسندد براندازی سان می‌دهد امپریالیسم امریکا پس از شاه برای حفظ واسطی‌های استعماری به سر مفسی از جامع‌ه سررمداران و اسد ما پس از دیگران دل‌خوش کرده است. سرتی کسسه امپریالیسم امریکا و مزدورسان آنها را "روسفکر" می‌نامند. اس سرکد پس از تمام بیهم ماه پس از چند در دستگاه دولت بازرگان حاجور کرده است. مدبران کارخانجات، بانکها و شرکت‌های خصوصی، کارمندان تالیسند دولست سابق و فرماندهان ارتش آریامهری رادر برمی‌گرد. اس سررمداران سنها اسمد و آجرس اسمد خود را بازرگان‌ها و سرکا می‌دانند. حله ما به سنیای حج سباری به اس سفاصلح بکوکرات سسای سررمداده امپریالیسم و سررمداداری سدارد بلکه درست برعکس ناند ما تمام سسر و به انسان ماهبت اس جریان برحسرد و اسان را از حقوق خود براند.

اسناد سان می‌دهند که امریکا همسر تم همان طرح جرح‌نای اگد سسل از

- ۱ آنها در هر کجا و در هر لباسی که باشند همیشه تلاش می‌کنند سازمانهای پلیسی و جاسوسی و ادارات ضد اطلاعات را از نو برآه اندازند
- ۲ آنها تلاش می‌کنند همان ارتش ضد حلقی و سرکوبگر آریامهری را حفظ و احیا نمایند و برای این کار از فرماندهان جنایت کار ارتش حمایت می‌کنند و به امریکا سفارش اسلحه و لوازم یدکی می‌دهند آنها دشمن سربازان، درجه داران و افسران چیز هستند و پیوسته بر علیه پرسنل انقلابی ارتش توطئه می‌کنند
- ۳ آنها ضد کمونیست هستند و مدام علیه کمونیست‌ها و سایر انقلابیون و همچنین علیه کشورهای سوسیالیستی تبلیغ می‌کنند
- ۴ آنها وقتی مبارزات ضد امپریالیستی مردم اوج می‌گیرد، تلاش می‌کنند بین مردم بفرقه بیندازند
- ۵ آنها دشمن صلح عادلانه در کردستان هستند و سرکوب و کشتار خلق کرد خلق ترکمن و دیگر خلق‌های ستمکش ایران را تبلیغ می‌کنند
- ۶ آنها با شورای کارگران، کارمندان، نظامیان و اتحادیه‌های دهقانی دشمنی می‌کنند، آنها هر جا که بتوانند این شوراهای و اتحادیه‌ها را متلاشی می‌کنند
- ۷ آنها مودبانه مردم را به نرمش و آس‌تی با امریکا دعوت می‌کنند، آنها می‌گویند همه امپریالیستها دشمن مردم نیستند
- ۸ آنها دشمن آزادی و حقوق دموکراتیک مردم و دشمن آزادی قلم و بیان هستند
- ۹ آنها برای دشمنان مردم، برای ساواکیها و دیگر جنایتکاران رژیم شاه دل می‌سوزانند و سعی می‌کنند از افشای نام آنها و مجازاتشان جلوگیری کنند
- ۱۰ آنها مرتباً به مردم دروغ می‌گویند و تلاش می‌کنند از آگاه شدن مردم و دخالت مردم در امور جلوگیری کنند

افشای امریکائی باید ادامه یابد